

نوع مقاله: ترویجی

نقش زیارت اهل بیت علیهم‌السلام بر تربیت عاطفی زائر با تأکید بر زیارت جامعه کبیره

jafari@gmail.com
ali_hosseini@rihu.ac.ir

ک. یزدان جعفری / طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم
سیدعلی حسینی‌زاده / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دریافت: ۹۹/۱۲/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

چکیده

از مهم‌ترین ابعاد تربیتی زیارت، که نقش بسزایی در رشد و ارتقای عاطفی و انگیزشی زائر ایفا کرده و زمینه‌ساز ایجاد کنش‌ها و رفتارهای بهنجار او را فراهم می‌آورد، تربیت عاطفی است که بازتاب این نوع از تحریک عواطف و انگیزش‌سازی را می‌توان در زیارت‌نامه‌های معصومان علیهم‌السلام بی‌گیری و مشاهده کرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، کارکرد زیارت در رشد و ارتقای تربیت عاطفی زائر را در خلال بیان گونه‌های مختلف تربیت عاطفی، با بررسی دیدگاه اسلام و روان‌شناسی معرفی کرده، و به تحلیل آیات و احادیث و نیز یافته‌های علمی جدید در این زمینه در ضمن زیارت جامعه کبیره پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زیارت به‌عنوان واقعیتی دینی با تحریک عواطف و ایجاد انگیزه، روح و روان فرد را مورد تأثیر قرار داده و زمینه را برای خلق عواطف سالم، همچون آرامش، احساس امنیت، امیدآفرینی و همچنین مهار احساسات غلط و زدودن عواطف ناسالم همچون وابستگی‌های غلط و احساس تنهایی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زیارت، تربیت، عاطفی، زیارت جامعه کبیره، اهل بیت علیهم‌السلام، نقش تربیتی زیارت.

مقدمه

۱۳۹۰) و مقاله «درآمدی بر تأثیر مناسک حج بر بعد عاطفی انسان» (احمدی، ۱۳۸۸)، خارج از بحث زیارت معصومان علیهم‌السلام به بررسی روان‌شناختی و بعد عاطفی حج پرداخته است.

وجه تمایز این آثار با پژوهش حاضر در این است؛ اولاً نسبت به موضوع پژوهش حاضر، جزئی می‌باشند؛ مانند اثر نخست؛ ثانیاً به مقوله زیارت یا ورود نکرده‌اند و یا اجمالاً پرداخته‌اند؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر به مسئله زیارت به صورت تخصصی نگاه شده؛ به گونه‌ای که مباحث و ویژگی‌های تربیتی زیارت به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. زیارت

زیارت از واژه «زور» گرفته شده، و در معنای میل و عدول از چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶)، قصد و توجه به کسی (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۶۰) و نیز برخورد، ملاقات و روبه‌رو شدن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶). زیارت یک اصطلاح دینی است و مفهوم آن، همواره بار دینی داشته و با قصد شارع مقدس همراه بوده است؛ چنان‌که در تعریف آن آمده است: «زیارت، برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳).

۱-۲. تربیت

تربیت از «ربو» یا «ربب» به معنای رشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸)، زیادت، بلندی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰) و اصلاح‌کننده چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۱) ریشه می‌گیرد. در اصطلاح علوم تربیتی جدید تعاریف بسیاری برای این واژه آمده و هر مکتبی با اهدافی که در نظر دارد آن را تعریف کرده است. به دلیل عدم اطالۀ کلام، به تعریف مراد اکتفا می‌گردد. تربیت در اینجا به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمام استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به‌منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

۱-۳. تربیت عاطفی

وقتی در علم روان‌شناسی سخن از انسان به میان می‌آید، انسان را

زیارت دارای آثار تربیتی بسیاری برای زائر است. یکی از کارکردهای تأثیرگذار زیارت، بعد عاطفی و انگیزشی انسان است. مقصود از بعد عاطفی، تمامی آثاری است که در حوزه عواطف، هیجانات و احساسات انسان قرار می‌گیرد. انگیزش‌ها، گرایش‌ها و امیال را که جنبه عاطفی دارند، در این بخش داخل می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

آداب و ویژگی‌های زیارت، مجموعه‌ای از نیات، اعمال و رفتارهایی است که نقش بسزایی در حوزه عواطف، هیجانات و انگیزش و گرایش‌های زائر دارند. با مراجعه به متون دینی می‌توان چگونگی این تأثیرگذاری را در بعد عاطفی زائر مورد بررسی قرار داد.

بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که زیارت بر بعد عاطفی زائر چه تأثیری دارد؟ آنچه در ادامه می‌آید، پاسخ به این سؤال است که با مراجعه به متون دینی و روان‌شناسی صورت می‌گیرد.

ازجمله شاخصه‌های زندگی دینی را می‌توان در موارد ذیل برشمرد: - اعتماد به یک نیروی ماورائی که فراتر از عالم ممکنات و محسوسات است؛

- وحدت و هماهنگی با آن عالم و قدرت بی‌انتهای

- متوسل شدن به ابزارهای الهی برای رسیدن به هدف نهایی.

نتیجه چنین زندگی‌ای رسیدن به قدرت و نیروی بی‌نهایتی است که به‌طور محسوس دارای آثار مادی و معنوی است: اولاً زندگی دارای طعمی می‌گردد که گویا رحمت محض است؛ در نتیجه زندگی سرشار از نشاط، سرور و بهجت خواهد بود؛ چراکه بر معدن بی‌انتهای رحمت الهی تکیه کرده است؛ ثانیاً اطمینان و آرامش باطنی به وجود می‌آید که آثار ظاهری آن نیکویی و احسان بی‌دریغ است؛ ثالثاً حس تنهایی که سبب اضطراب و اختلال می‌شود را از او دور می‌کند و همراه آن تنهایی‌های مفیدی که او را به خود می‌آورد، تقویت می‌کند.

بررسی تأثیرات روان‌شناختی دستورالعمل‌های دینی بر ابعاد انسان، از جمله بعد عاطفی، امری است که کمتر تاکنون به آن پرداخته شده است. از آن میان زیارت معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان مقوله دینی، آن‌هم بر پایه زیارت جامعه کبیره، به‌رغم پژوهش‌های متعددی که پیرامون زیارت و زیارت جامعه کبیره انجام شده، اما در زمینه بعد تربیتی زیارت، اندک اشاراتی شده است؛ از جمله مقاله «نقش زیارت در تربیت اجتماعی» (حسینی، ۱۳۹۶)؛ پایان‌نامه «آثار تربیتی توسل از دیدگاه قرآن و روایات» (فخری، ۱۳۹۱)؛ همچنین کتاب حج در آئینه روان‌شناسی (احمدی،

زیارت جامعه کبیره به نقل از شیخ صدوق و شیخ طوسی، که از اعظام حدیثی شیعه هستند، در کتب *من لایحضره الفقیه* و *التنزیه* - که از منابع مورد اعتماد شیعه به شمار می‌روند - وارد شده است (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶ ص ۹۵). شیخ صدوق در کتاب دیگرش به نام *عیون اخبار الرضا* همین زیارت را با سند خود نقل کرده است.

نقل شیخ صدوق و شیخ طوسی در دو کتاب از کتب اربعه شیعه خود، دلیل روشنی بر جایگاه این روایت است و سند قوی آن بیشتر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

سلسله راویان زیارت جامعه به نقل از شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا* عبارتند از: *علی بن احمد الدقاق شیخ صدوق* وی را معتمد خوانده و در حقیق دعا کرده (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۱، ص ۲۵۵-۲۵۶)؛ *محمد بن احمد السنائی* وی فردی معتبر و از مشایخ مرحوم صدوق بوده است (همان، ج ۱۵، ص ۵۳)؛ *علی بن عبدالله الوارثی، الحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب* هر دو از مشایخ مرحوم صدوق هستند (همان، ج ۱۲، ص ۸۵؛ ج ۵، ص ۱۷۴)؛ اینان روایت را از *محمد بن ابی عبدالله الاسدی الکوفی* که از مشایخ ثقات و صحیح الحدیث، به شمار می‌رود، نقل کرده‌اند و در روایات *محمد بن عبدالله الکوفی* و *محمد بن ابی عبدالله الاسدی* و *محمد بن جعفر الاسدی* و *الاسدی* یک شخص است (همان، ج ۱۴، ص ۲۷۱؛ نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۵۶؛ مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۲۵۰؛ خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۴، ص ۲۷۴). ایشان نیز روایت را از *محمد بن اسماعیل بن احمد بن بشیر البرمکی* نقل و روایت کرده و اهل حدیث ایشان را نیز شخصی قابل اعتماد و موثق تعریف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۴۱؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۸) وی نیز روایت را از *موسی بن عمران نخعی* گزارش کرده است. نخعی از شخصیت‌های بزرگ شیعه به شمار می‌رود (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۲۵۷).

از مجموعه مطالب فوق به دست می‌آید که اولاً سند این زیارت، سندی حسن است؛ اگرچه از حیث سندشناسی محدثان گذشته، آن را دارای سندی صحیح دانسته و صدور آن را از معصوم یقینی می‌دانند؛ ثانیاً زیارت جامعه کبیره با مجموعه متن و محتوای بی‌نظیر و عمیق، علاوه بر تقویت بعد شناختی و معرفتی زائر، حاوی روش‌های کارآمد و اثرگذار در تربیت روانی و تحریک عواطف زائر است. این اثربخشی را می‌توان در احساس امنیت و آرامش بخشی،

موجودی دارای ابعاد سه‌گانه زیستی، روانی و اجتماعی می‌دانند؛ حال اگر به بُعد روانی انسان توجه شود، می‌توان به سه بعد شناختی، عاطفی - انگیزی و رفتاری نیز دست یافت. در میان آنها حوزه عاطفی زمینه‌ساز خلق کنش‌ها و رفتارهای بهنجار و نابهنجار است؛ بدین‌سان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تربیت عاطفی با علاقه، انگیزش، نگرش یا قدردانی و ارزش‌گذاری سروکار دارد (سیف، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). مراد از بعد عاطفی همه‌آثاری است که در حوزه عواطف، هیجان‌ها و احساس‌های انسان قرار می‌گیرد. انگیزش‌ها، گرایش‌ها و امیال را که جنبه عاطفی دارند، در این بخش داخل می‌شوند. در مجموع آنها را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد: از یک‌سو، زیارت سبب تجربه کردن عواطف و احساسات مثبت؛ همچون امنیت و آرامش روانی، امید و عشق و محبت و ارتقای دل‌بستگی به معصومان^{علیهم السلام} است؛ از سوی دیگر، زیارت موجب می‌شود عواطف منفی که منشأ درد و رنج آدمی است، زوده شود یا تخفیف یابد. نظیر انزجار و تنفر، تنهایی، افسردگی، اضطراب و بیماری‌های روانی.

۱-۴. زیارت جامعه کبیره

در اصطلاح اهل حدیث به زیارت‌هایی زیارت جامعه اطلاق می‌شود که به‌طور جداگانه از اهل بیت^{علیهم السلام} روایت شده و به‌وسیله آنها تمامی اهل بیت^{علیهم السلام} بدون اختصاص به فردی از ایشان، زیارت می‌شوند. به همین سبب علامه مجلسی چهارده زیارت جامعه را گزارش می‌کند که در زیارت ائمه اطهار^{علیهم السلام} وارد شده است و در پایان می‌گوید: «رأیت فی بعض الكتب زیارات جامعه اخری...»؛ در بعضی کتاب‌ها زیارت‌های جامعه دیگری مشاهده کردم (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۹، ص ۲۰۹).

در میان آنها زیارت جامعه کبیره از مهم‌ترین زیارتی است که از ائمه اطهار^{علیهم السلام} برای ما روایت شده است؛ این زیارت‌نامه فشرده‌ای از عقاید مکتب اهل بیت^{علیهم السلام} را دربر دارد و مقامات حقه پیشوایان هدایت و جایگاه والای ایشان نزد خدای عزوجل را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که آن بزرگواران جایگاه‌های معرفت خدا، منزل‌گاه‌های برکت خدا، معدن‌های حکمت خدا، خازنان علم خدا، حافظان سر خدا، حاملان کتاب خدا، وارثان رسول خدا و ذریه آن حضرت می‌باشند. در نتیجه در پرتو آن بعد معرفتی و شناختی زائر تقویت می‌شود و با ایجاد انگیزش و تحریک عواطف زمینه را برای خلق رفتارهای بهنجار هموار می‌سازد.

مذهبی، رفتاری است که زائر در خلال آن مستقیماً با خدای خود رازونیز می‌کند. معمولاً حالات معنوی آن برای زائر لذت‌بخش و آرامش‌دهنده است. روان‌شناسان بر این باورند که دعا «ازیکسو در انسان نور امیدی برای رسیدن به اهدافش زنده می‌کند و از طرفی به‌دلیل تخلیه هیجانی، در او احساس آرامش عمیق ایجاد می‌کند» (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

بدیهی است که این اهل ایمان هستند که با زیارت اماکن الهی و قبور مطهر معصومان علیهم‌السلام یاد خدا را به‌واسطه این عرصه‌های معنویت، در دل خود نهادینه می‌کنند و با توسل و التجا به ذوات مقدس معصومان علیهم‌السلام سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورده و به آرامش روانی می‌رسند. زائر با این دید، زیارت اولیای الهی را قصد می‌کند که مشمول توجه ویژه ائمه اطهار علیهم‌السلام شده و این پیشوایان هدایت‌اند که او را به سرای خود دعوت کرده‌اند. زائر خود را در محضر معادن رحمت الهی مشاهده می‌کند و با اتصال به ذوات قدسیه ائمه اطهار علیهم‌السلام به آرامش می‌رسد، زائر احساس می‌کند به اصل ذات خود بازگشته و به او لطف و توجه خاصی شده است. به همین جهت است قلبش آرام می‌گیرد و چیزی که بتواند او را مضطرب سازد یا حزن و اندوهی در وی ایجاد کند، نمی‌یابد؛ چراکه در آن زمان و در این مکان به مبدأ و منبع آرامش متصل شده است. هنگامی که برای جبران و اصلاح مسائلی که باعث دغدغه‌های روانی او می‌شود، دست به اقدامات عملی و اصلاح‌گرانه می‌زند و زمینه دل‌نگرانی‌های خود را نسبت به آینده از بین می‌برد؛ درواقع زمینه آرامش روانی خود را فراهم کرده است، زیرا ازیکسو، به اصلاح رابطه خود با مردم، و از سوی دیگر، به اصلاح رابطه خویش با خدا پرداخته است. از این راه، عملاً آرامش ناشی از زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام که موجب زنده شدن یاد خدا در وجود آدمی می‌شود، در تمام مراحل زندگی فرد زائر نمایان است (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰-۱۲۲).

زیارت جامعه کبیره به دو طریق بر امنیت و آرامش روانی زائر تأکید می‌کند:

ازآنجاکه آرامش و سکینه تنها بر دل‌های مؤمنان عارض می‌شود (رعد: ۲۸)، زیارت جامعه کبیره تأکید فراوانی بر بحث ایمان دارد؛ تا جایی که تمام عبارت‌هایش بر مدار ایمان و توحید می‌گردد؛ چنان‌که امام هادی علیه‌السلام مبنا و محور اصلی زیارت جامعه را ایمان توحیدی بیان می‌کند؛ به این‌گونه که در آداب آغازین زیارت جامعه شهادت به وحدانیت خداوند آمده و در بخش‌های دیگر از این زیارت همان شهادت ابتدایی را به‌گونه‌ای کامل‌تر و هم‌صدا با ملائکه و

امیدآوری، احساس دل‌بستگی و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام، احساس انزجار از مخالفان ائمه اطهار علیهم‌السلام قطع تعلقات و وصال به محبوب، و رها شدن از تنهایی، مشاهده کرد.

۲. امنیت و آرامش روانی

شاید بتوان گفت از اساسی‌ترین مشکل انسان در عصر حاضر، نبود آرامش روحی و روانی است. برخی دانشمندان دوران کنونی را عصر اضطراب می‌نامند (دادستان، ۱۳۷۶)؛ و برخی دیگر گفته‌اند: آرامش روانی، گم‌شده انسان است، و او در تمام مراحل زندگی در پی دستیابی به آن است. دو نیاز اساسی بشر که در بیشتر نظریه‌های روان‌شناسان و نیز پژوهش‌های آنان درباره خصوصیات روانی انسان مشاهده می‌شود، نیاز به احساس ارزشمندی و احتیاج به امنیت است (شاملو، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶). دانشمندان روان‌پزشکی اذعان دارند ایمان و دین‌داری یکی از عوامل مؤثر در کاهش اضطراب‌ها، تنش‌ها و بیماری‌های عصبی است (دیل، ۱۳۷۹، ص ۲۲۳).

قرآن کریم امنیت را که در سایه آن، اطمینان و آرامش حاصل می‌شود، به مؤمنان اختصاص می‌دهد (انعام: ۸۲). چنان‌که برخی مفسران گفته‌اند: آرامش، اطمینان و سکینه بر دل‌های مؤمنانی عارض می‌شود که خداوند را ملجأ و پناهگاه خود قرار داده‌اند و این همان ایمان است، که خداوند مؤمنان و تقواییشان را مستحق چنین مقامی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). ازاین‌رو، شخص مؤمن، غمگین و وحشت‌زده نمی‌شود و هیچ چیز نمی‌تواند موجب دلهره، اضطراب و یأس او شود (فصلت: ۳۰؛ یونس، ۶۲).

قرآن کریم آدمی را که خارج از دایره دین زندگی می‌کند، همچون شخص عطشان و مضطرب می‌داند که تلاش بسیاری برای رفع اضطراب و به آرامش رسیدن می‌کند؛ اما همیشه با چشمه‌سارهای دروغین (سراب) روبه‌رو می‌شود که نه تنها بی‌ثباتی و جگر سوزان او را تسکین نمی‌دهد؛ بلکه بر اضطراب و عطش او می‌افزاید (نور: ۳۹). ازاین‌رو، پس از ناامیدی و سرگستگی از زندگی مادی به دنبال پناهگاهی ایمن و قدرتی بالاتر می‌گردد تا در سایه‌سار او به امنیت و آرامش روانی برسد.

زیارت مانند عبادت‌های دیگر آثار روان‌شناختی عمیقی بر رفتار انسان دارند و ساختار زندگی فرد را سازمان می‌بخشد. دعا و نیایش که درواقع شاکله اصلی زیارت را به ما نشان می‌دهد، به‌منزله یک آیین

افسوس نمی‌خورد؛ زیرا باور دارد اینها آزمایش‌هایی از طرف خداوند است (ر.ک: بقره: ۵۶ و ۵۵) که با توسل و واسطه قرار دادن انسان‌های کاملی که نزد خداوند جایگاه رفیعی دارند، گرفتاری‌هایش به پایان می‌رسد. همان‌طور که در زیارت جامعه خطاب به ائمه اطهار^{علیهم السلام} گفته می‌شود: «وَبِكُمْ يَنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ»؛ به واسطه شما غم پایان می‌پذیرد و سختی از بین می‌رود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۵). نیز مؤمن واقعی از مرگ نمی‌هراسد و به آن با دیدی واقع‌بینانه می‌نگرد؛ زیرا می‌داند گریزی از آن نیست (نساء: ۷۸) و بازگشتش و حسابرسی‌اش به سوی ائمه اطهار^{علیهم السلام} است (که مأموران و میزان‌های الهی برای رسیدگی به اعمال هستند) «يَا بَٰرِئُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمُ وَ جِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۲).

انسانی که به حقیقت ایمان رسیده، می‌داند رزق و گشایش در روزی‌اش به دست خداوند است. اوست که رزق‌ها را به اندازه بین انسان‌ها تقسیم می‌کند (ر.ک: عنکبوت: ۶۲)؛ و نیز خوب می‌داند ائمه اطهار^{علیهم السلام} واسطه‌های فیض و رحمت خداوند هستند و به واسطه و برکت آنهاست که درهای رحمت الهی گشوده می‌شود: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ» (همان)؛ و باران رحمت الهی نازل می‌گردد: «بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثَ» (همان). از این رو، اگر تقدیر بر این شد که روزی‌اش کم شود، به همین اندازه قناعت می‌کند؛ راضی به رضایت خدا و ولی‌اش می‌شود و شکر و سپاس خداوند را به خاطر نعمت‌های فراوان دیگرش به جای می‌آورد (نجاتی و عرب، ۱۳۸۱، ص ۳۶۹-۳۷۴).

در نتیجه انسان در زیارت جامعه کبیره درمی‌یابد که به یک نیروی ماوراءطبیعی و الهی متصل شده است؛ اگر مشکلات او از راه عادی و طبیعی حل نشود، می‌تواند به واسطه تمسک به چنین فضاهای معنوی و توسل به آن ذوات مقدس، مشکلات پیش‌روی خود را مرتفع سازد. در اینجا است که دغدغه و اضطراب جای خود را به امنیت روانی و اطمینان و آرامش عمیق روانی می‌دهد و شخص زائر به بهترین حالت روحی و روانی می‌رسد و این چیزی است که بارها در زندگی انسان‌های مؤمن تجربه شده است (همان، ص ۲۷۱).

۳. ایجاد روحیه امید

داشتن روحیه امید در زندگی به انسان نشاط و شادابی می‌دهد و سبب می‌شود آدمی هدفمند به زندگی بنگرد و با روحیه بالا و اندیشمندانه به امور روزمره خود بپردازد. در مقابل، ناامیدی انسان را

صاحبان علم تکرار می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۱). در بخشی دیگر از زیارت جامعه، ائمه اطهار^{علیهم السلام} را کسانی معرفی می‌کند که در توحید، اعتقادی ناب دارند و به درجه اخلاص رسیده‌اند: «الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ» (همان، ص ۶۱۰). در مواردی دیگر به بیان ایمان به امامت معصومان و ملحقان آن پرداخته است: «مُؤْمِنٌ بِكُمْ؛ مُؤْمِنٌ بِإِيَّائِكُمْ؛ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ» (همان، ص ۶۱۴).

زیارت جامعه، ائمه اطهار^{علیهم السلام} را سکنیه و آرامش‌بخش معرفی می‌کند؛ چنان که در این زیارت‌نامه آمده است: «أَرْكَانَ الْبِلَادِ»؛ ارکان و پایه‌های (آرامش) زمین‌ها (همان، ص ۶۱۰). لغت‌شناسان می‌گویند ارکان از رکون گرفته شده و به معنای تمایل و میل همراه با سکون و آرامش است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۲۳). یا از رکن بر وزن فَعْل گرفته شده و برای چیزی که مایه آرامش و سکون باشد به کار می‌رود (همان، ص ۲۲۴). بنابراین، ائمه اطهار^{علیهم السلام} مایه آرامش ظاهری و باطنی زمینیان هستند و در لوای آنهاست که زمین آرامش دارد و اهل آن در امنیت و آرامش روانی به سر می‌برند.

مردم به لحاظ تأثیر وجود خود در زمین، به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف. برخی جزء ارکان زمین هستند که نقش محوری برای آن دارند و مایه آرامش، سکون و استقرار زمین هستند؛ البته این‌گونه افراد بسیار اندک‌اند. ب. بعضی چنین نقش محوری ندارند و وجود و عدم‌شان یکسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۶۴).

بر این پایه، سکون و آرامش‌دهی اهل بیت^{علیهم السلام} به این صورت قابل تبیین است که امامان^{علیهم السلام} نقش محوری در زمین دارند؛ به گونه‌ای که استقرار و ثبات زمین به بقای آنها بستگی دارد؛ به این معنا که اگر امام نباشد، زمین اهلس را در خود فرو می‌برد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱۷)؛ همان‌طور که ستون‌های یک ساختمان اگر نباشند، دیگر اجزاء هیچ ثبات و بقایی نخواهند داشت (همان، ص ۲۶۴). این عبارت زیارت جامعه یکی از معانی این روایت است که امامان را مایه آرامش و امنیت اهل زمین قرار می‌دهد: «تَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»؛ ما برای اهل زمین مایه امن و آرامش هستیم (همان، ص ۳۱۷).

به دیگر بیان، مؤمنی که حقیقتاً به خدا و اولیائش ایمان دارد و امامان را به‌عنوان واسطه‌های خیر الهی قبول دارد، از مصائب روزگار و حوادث آن نمی‌هراسد و از گرفتار شدن به گرفتاری‌های سخت و ناگوار باکی ندارد. مؤمن واقعی غم و اندوه خود را آشکار نمی‌کند و در خاطرات گذشته سیر نمی‌کند و برای چیزهای از دست‌رفته

شما) کفاره گناهان ماست (همان، ص ۶۱۵): «لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي»؛ بخشش گناهانم را از او بخواهید (همان، ص ۶۱۶).
- امید به واسطه‌گری معصومان (شفاعت): «شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ»؛ شفیعیان سرای پایدار (همان، ص ۶۱۳): «مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ»؛ در پیشگاه خدا از شما طلب شفاعت می‌کنم (همان، ص ۶۱۴) و... .

چه امیدواری از این بالاتر که انسان به خاندانی متوسل شود که قرارگاه برکت خداوند و معدن رحمت هستند که به عنایتشان گناهان بخشیده می‌شود، مشکلات و غم‌ها پایان می‌پذیرد، و در سرای آخرت شفیعیان و منجیان محبانشان هستند.

بنا بر روایاتی که در باب فضیلت زیارت وارد شده؛ زائر یقین دارد خداوند به برکت این زیارت به زندگی‌اش وسعت و رزق می‌دهد، علاوه بر رزق دنیوی خداوند به واسطه زیارت، رزق اخروی او را نیز عطا می‌کند. چنان که امام صادق علیه السلام با بیانی امیدبخش، آینده‌ای روشن را برای زائر ترسیم می‌کند، که خداوند در دنیا حوائج زائر حسین علیه السلام را برآورده کرده و زمینه را برای کسب روزی پرسود، فراهم می‌سازد و سرمایه‌ای ده هزار برابر هزینه زیارت او را برای فردای پس از مرگ او ذخیره کرده و در سرای آخرت به او می‌دهد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۲۸). در روایت دیگری نیز از امام صادق علیه السلام آمده که خداوند غم و اندوه زائر را به واسطه زیارت برطرف می‌کند و فرشتگان را با او همراه می‌کند (همان، ص ۱۹۰).

از این رو، زائر با این دید به زیارت می‌نگرد که بقاء متبر که جایگاه انوار مقدسه‌ای است که زنده‌اند و مناجات زائر را می‌شنوند و دردهای زائر را مرهم‌اند؛ خواسته‌ها و گره‌های زندگی زائر به واسطه پابوسی این حضرات گشوده می‌شود؛ غم‌ها و اندوه‌ها از بین می‌رود: «وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرُّ» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۹)؛ رزق‌ها زیاد می‌شود (همان)؛ مالی که هزینه شود، خداوند عوض آن را در دنیا می‌دهد. در نتیجه، تمامی این آثار و برکات سبب می‌شود هراس و اضطرابی که زائر قبل از زیارت داشت، به ایمنی و آرامش مبدل شود؛ اخلاق حسنه و نیکو که همان خلق و خوی معصومان است، نزدیک‌تر شود.

۴. تقویت و ارتقای دل‌بستگی به معصومان علیهم السلام

از دیگر مفاهیم مهمی که در بحث رشد عاطفی انسان مطرح است، مفهوم دل‌بستگی است. ابتدا دل‌بستگی کودک به مراقبش مطرح است؛ سپس دل‌بستگی او به دیگر بزرگسالان. در این دل‌بستگی

بی‌هدف و بی‌نشاط می‌کند و انگیزه تلاش و فعالیت برای زندگی را از او می‌گیرد. اگر ناامیدی بر انسان غلبه کند و بر وجود او چیره شود، همیشه از انجام کارها ناتوان می‌گردد و نمی‌تواند هرگز هدف والایی را به انجام برساند بلکه او می‌تواند هدفی را در نظر بگیرد تا بدان دست یابد (مدرسی، ۱۳۹۰، ص ۴۳). به همین علت برخی ناامیدی را سم روح دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۱۳، ص ۱۷۵). قرآن کریم نیز شخص ناامید را دارای مرتبه‌ای از کفر می‌داند (یوسف: ۸۷).

بنابراین انسان برای اینکه اراده‌اش سست نگردد، بدینی و ناامیدی و پیچ‌وخم‌های دشوار زندگی او را از پای دریاورد؛ ناگزیر باید امیدوارانه زندگی کند و از کارهایی که در او ناامیدی ایجاد می‌کند، پرهیزد و به عواملی که روحیه امید او را تقویت می‌کند، روی بیاورد.

یکی از مواردی که تأثیر بالایی در افزایش روحیه امید دارد و موجب ایجاد خوش‌بینی درباره آینده و اعتمادبه‌نفس می‌شود، زیارت ائمه اطهار علیهم السلام است؛ چراکه در هنگام زیارت، زائر تمام توجهش به امام به‌عنوان انسان کاملی که مظهر رحمت و بخشش خداوند متعال است معطوف می‌شود و باور دارد امام قادر است از او دست‌گیری کند و به بهترین وجه کمک رساند و در نهایت وی را به مسیر سعادت و رستگاری هدایت کند. از این رو، از نظر عاطفی تمام امید و آرزویش به وجود مقدس ائمه اطهار علیهم السلام (که جلوه‌گاه خداوند هستند) می‌باشد. هم زیارت‌نامه‌ها بر آن تأکید دارند و هم در منابع روایی که در باب زیارت است، به‌خوبی نمایان است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

یکی از ارکان تربیتی زیارت جامعه کبیره، امیدآفرینی است: این زیارت‌نامه از طُرُق مختلف سعی دارد، ناامیدی و بدینی را از زندگی انسان برهاند و بایان عوامل امیدواری، اراده‌اش را محکم و اداره زندگی را برای او آرام‌بخش کند. برخی از عوامل و مواردی که سبب ایجاد انگیزه امیدواری در انسان می‌شود و در زیارت جامعه آمده است، چنین است:

- امید به رحمت الهی: «مُعَلِّينَ الرَّحْمَةَ»؛ معدن رحمت و «وَمَسَاكِينَ

بَرَكَاتِ اللَّهِ»؛ قرارگاه برکت خداوند (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

- امید به رهایی از مشکلات: «بِكُمْ... فَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَدَنَا مِنْ شَقَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ»؛ به‌واسطه شما خداوند شدت گرفتاری‌ها را از ما برداشت و ما را از پرتگاه نابودی نجات داد (همان، ص ۶۱۶).

- امید به رهایی از غم: «بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ»؛ به‌واسطه شما غم‌ها گشایش می‌یابد (همان، ص ۶۱۵).

- امید به بخشیده شدن خطاها و گناهان: «كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا»؛ (ولایت

(جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۰): چراکه به فرموده قرآن، بعضی از بیوت الهی از مقام بالایی برخوردارند؛ به گونه‌ای که تمام پلیدی‌ها از آنها دور است و جایگاه انوار و اذکار الهی است: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ» (نور: ۳۶): (این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دست‌برد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد. برای آنکه در خانه‌هایشان نسیم جان‌فزای تسبیح الهی در حال وزیدن است: «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۶-۳۷): خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او گفته می‌شود...؛ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند. آری مردان خدا که منزله از پلیدی‌های لهو و لغو؛ اعمال عبس و بیهوده و هوا و هوس‌های شیطانی هستند، مایه رفعت آن بیت‌اند؛ زیرا اینان نه به سراغ لهو و لغو می‌روند: «الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳)؛ و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند، نه لهو به سراغ آنان می‌رود: «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»؛ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۰۴). زائر با ورود به حرم اهل بیت^{علیهم السلام} از دریای بی‌کمران رأفت و بخشش خداوند بهره‌مند می‌شود؛ چراکه این ذوات قدسیه معادن و خزانه‌داران رحمت الهی هستند؛ چنان‌که در زیارت جامعه کبیره خطاب به آنها گفته می‌شوند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا... مَعْنِي الرِّحْمَةَ»؛ سلام بر شما ای منبع رحمت (خداوند) (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰). «رحمت اهل بیت^{علیهم السلام} همچون سیلی سرازیر است که تشنگان مسیرش را سیراب می‌کند و مانند آفتاب پرتوافشانی می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۸). لذا زائر مطمئن است که در رحمت و مغفرت الهی قرار گرفته و لغزش‌ها و خطاهای گذشته‌اش بخشیده شده است. او هرگز نباید نگران گذشته‌اش باشد؛ زیرا هرگونه نگرانی و دغدغه درباره اعمال گذشته می‌تواند منشأ حزن و اندوه فرد شود، جای خود را به آرامش خاطر نمی‌دهد.

در عرصه زیارت انسان می‌فهمد که اهل بیت^{علیهم السلام} نه تنها خزان علم و معادن حکمت الهی هستند؛ بلکه جایگاه رحمت و منزل‌گاه مهر ربانی هستند، «مَسَاكِينِ بَرَكَةِ اللَّهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰)، آدمی در زیارت با همه وجود درمی‌یابد که آن بزرگواران چقدر مهربان و عزیزند و برای نجات و سعادت انسان‌ها چه

آدمی در پی انسانی است که درجات کمال را دارا باشد و در محافظت و مراقبت از او توان‌تر باشد. نمونه بارز این انسان را می‌توان در ائمه اطهار^{علیهم السلام} یافت؛ به این صورت که از طریق همین انسان‌های کامل، که دل‌بسته به آنها شده است، به یک موجود کامل‌تر و قادرتر که خداوند متعال باشد، می‌رسد و دل‌بسته ذات مقدس الهی می‌شود. از نظر روان‌شناسان دل‌بستگی به خدا از همین مقوله است که به صورت نیاز فطری در انسان نهادینه شده و هم‌زمان با رشد شناختی انسان ظاهر می‌شود و مراحل را پشت سر می‌گذارد و در نهایت به دل‌بستگی به معنای واقعی می‌رسد. کلود در این زمینه می‌گوید: نیاز به دل‌بستگی و داشتن رابطه عاطفی با خداوند، در نهاد انسان به ودیعه نهاده شده است (شجاعی، ۱۳۸۱، ص ۸۴). مطابق با نظر فروم، داشتن یک ارتباط مثبت و علاقه و دل‌بستگی به رهبری قوی، مانند اولیاء دین، می‌تواند فرد را از احساس درماندگی و انزوا رهایی بخشد (وولف، ۱۳۸۶، ص ۴۸).

بنابراین آدمی چنان آفریده شده که از صمیم قلب دل‌بسته و دوست‌دار خدای خویش است و در میان انسان‌ها، انسان دل‌بسته، انسان کاملی خواهد شد که مقرب درگاه الهی باشد؛ کسانی که خداوند آنها را اشرف مخلوقات قرار داد و دوستی و محبت به آنها را دوستی و محبت به خود می‌شمرد؛ همان‌طور که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»؛ هر کس که شما (اهل بیت^{علیهم السلام}) را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۳). کافی است آدمی برای مشاهده این دل‌بستگی به خدا و اولیائش، درون خود را بکاود و به عمق آن توجه کند، تا به این رابطه صمیمی دست یابد. نتیجه آنکه آدمی با گره زدن جان و روان خود به خداوند و اولیائش از طریق دوستی و محبت به آنها، خود را دل‌بسته و وابسته به آنها می‌کند؛ به گونه‌ای که درخواست و تمنایش از خداوند ثبات در دوستی و عدم فاصله بین آنهاست.

به نظر می‌رسد زیارت می‌تواند پاسخی به این نیاز اولیه باشد. کسی که به زیارت می‌رود، حتی از زمانی که تصمیم می‌گیرد و مقدمات سفر را آماده می‌کند، این باور را دارد که ائمه اطهار^{علیهم السلام} به او لطف و توجهی ویژه دارند. باب رحمت الهی به محض قصد انجام زیارت باز می‌شود. «ائمه اهل بیت^{علیهم السلام} مظاهر کامل «ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» و وارثان «رَحْمَةِ لِلْعَالَمِينَ» هستند. لذا چشمه‌های رحمت در خانه‌هایشان می‌جوشد و از آنجا جاری شده، به دیگران می‌رسد»

سختی‌ها و تلخی‌هایی تحمل کرده‌اند. خدمات صادقانه و بی‌پیرایه آنها که تنها برای رساندن انسان‌ها به صلاح و مقصد فلاح، صورت گرفته از بهترین ساز برگ‌های تحصیل محبت است.

زائر با چنین شناختی به حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌آید و به اعمال و آداب آن مشغول می‌شود؛ جایگاه والا و قابل‌اعتماد ائمه هدی علیهم‌السلام — که تنیده شده با مهربانی و عطوفت و قادر بودن است — را احساس می‌کند و در پرتو همین شناخت، دل‌بستگی‌اش به آنان و بالاتر از آن، دل‌بستگی‌اش به خداوند قادر متعال افزون می‌شود. در واقع زائر در انجام دادن زیارت به این نیاز اساسی که به نظر برخی روان‌شناسان، نیاز اولیه است، پاسخ می‌دهد. بنابراین در مدت انجام دادن زیارت، شناخت و آگاه‌هایی برای زائر به دست می‌آید. شناختی که زمینه‌ساز دل‌بستگی به خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام است. چنان‌که زائر در زیارت جامعه کبیره بر ثبات پایداری‌اش نسبت به ائمه هدی علیهم‌السلام تأکید می‌کند و می‌گوید: «فَتَّبَيْتَنِي اللَّهُ أَبْدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَىٰ مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ»؛ پس خداوند تا زنده‌ام من را بر موالات و دوستی شما ثابت‌قدم بدارد» (همان، ص ۶۱۵). او این موالات و دوستی را دستاویزی برای وصول به کمال حقیقی و رستگاری قرار می‌دهد؛ همان‌طور که در زیارت جامعه آمده است: «فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ»؛ رستگاران، به ولایت شما رستگار شدند (همان، ص ۶۱۶).

۵. قطع تعلقات و انزجار از مخالفان ائمه اطهار علیهم‌السلام

از دیگر اموری که سبب ارتقا و رشد عاطفی انسان و مانع انحطاط او می‌شود، پرهیز از عوامل یأس و ناامیدی است. یکی از عوامل یأس و ناامیدی که سبب رنجش و احساس افسردگی می‌شود، تعلق و وابستگی انسان به مسائل مادی و مظاهر دنیوی است. هرچند مسائل مادی گاهی ممکن است موجب رفاه شود؛ اما در همه موارد آرام‌بخش نیست؛ زیرا پدیده‌های مادی و مظاهر دنیوی با همه زیبایی‌ها و جاذبه‌هایی که دارند، معمولاً از دو حال خارج نیستند؛ یا اینکه دارندگان آنها در غم و ترس از دست دادنشان هستند؛ و یا در رنج و حسرت آنچه ندارند به‌سر می‌برند. در حقیقت تعلق و وابستگی مادی، مساوی است با زندگی آمیخته باغم و اضطراب از دست دادن آنچه هست و حسرت و افسوس آنچه نیست (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). اما در باور دینی، انسان برتر از آن است که تعلق و وابستگی به چیزی پیدا کند که او را به انحطاط و ضلالت بکشاند؛ زیرا

همه‌چیز برای رساندن انسان به کمال و سعادت خلق شده و هر آنچه رنگ و بوی غیر الهی بدهد و یا در مقابل خدا و برگزیدگانش قرار گیرد، ناچیزتر و حقیرتر از آن است که انسان به آن وابسته شود.

از این رو، یکی از آثار اخلاقی دین‌داری، دل‌نستن به دنیا و علایق دنیوی است؛ چراکه انسان متدین هرآنچه صبغه غیر خدایی داشته باشد را خوار و پست می‌بیند. چه سلطنتی می‌تواند با این موهبت، که خداوند به انسان روحی عطا فرموده است که همه دنیا را زیر پای خود می‌بیند، قابل‌مقایسه باشد (لقمان: ۲۰؛ جاثیه: ۱۳). آدمی در این حالت چقدر از دل‌بستگی‌های پیشین خود شرمند است و تا چه اندازه از کوردلی‌های سابق خود پشیمان است؛ چقدر به حال آنها که هنوز در این تاریکی‌ها به‌سر می‌برند، دل می‌سوزاند و از اینکه پیش از این، آن‌قدر به افتخارات دنیوی اهمیت می‌داده است و اکنون می‌بیند آنها سرابهایی بیش نبوده، رنج می‌برد؛ سعی در جداکردن خود از هرآنچه در غیر مسیر خداوند باشد، می‌کند (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱-۱۴۲).

زیارت، زائر را از تعلقات مادی جدا می‌کند و به‌سوی معنویت سوق می‌دهد. زیارت همچون پلی است که انسان را از وابستگی‌های مادی عبور می‌دهد و به آغوش ائمه اطهار علیهم‌السلام که مظهر کامل خدای متعال هستند، می‌رساند؛ چنانچه در زیارت جامعه آنها را جلوه‌گاه الهی، صراط، نور و رحمت و برکت الهی، می‌خوانیم: «بَقِيَّةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حَزْبِهِ وَ عَيْبَتِهِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۱). از آنجاکه زائر مکان و زمانی را برای رسیدن به مرور طی می‌کند، معنای سیر و حرکت فقط در این خلاصه نمی‌شود؛ بلکه سیر حقیقی (سیر از غیر خدا به‌سوی خدا) مراد است. بدین معنا که انسان دل‌بستگی به غیرخدا را ترک می‌کند و به‌سوی خدا و هرآنچه صبغه الهی دارد سیر می‌کند و در لوای‌شان پناه می‌گیرد: «مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لِأَيْدٍ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ» (همان، ص ۶۱۵)؛ و به‌واسطه حضور در کنار معصومان علیهم‌السلام خدای خویش را طلب کند و از هرآنچه خارج از مدار معنویت و مانع علقه الهی‌اش شود، ابراز انزجار می‌کند.

چنانچه یکی از محورهای اصلی زیارت جامعه، قطع تعلقات و انزجار از هرآنچه در جبهه مقابل خداوند و اولیایش قرار دارد؛ که به گونه‌های مختلف آمده است. ابتدا دشمنی با ائمه هدی علیهم‌السلام را دشمنی با خدا بیان می‌کند: «مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ»؛ هرکس با شما دشمنی کند، یقیناً با خداوند دشمنی کرده (همان، ص ۶۱۳)؛ سپس

چگونگی تأثیر زیارت به رهاسدن از آن را به بحث می‌گذاریم. احساس تنهایی یکی از مشکلات شایع و عامل آشفتگی روانی است که گریبان گیر توده مردم است؛ که استمرار این احساس دردناک به افسردگی منتهی می‌شود. تنهایی انواع گوناگونی دارد:

- تنهایی فیزیکی: قرار گرفتن در محیطی که کسی با او نباشد؛ این احساس غالباً دردناک نیست، بلکه گاهی لذت‌بخش است؛
- تنهایی ادراکی: گاه شخص گرچه در جمع حاضر است، اما دیگران موقعیت او را در نمی‌یابند و او را درک نمی‌کنند. تنهایی ادراکی می‌تواند به دلیل برخورداری از استعداد، رتبه علمی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برتر باشد و گاه نیز ناشی از عدم توجه نزدیکان به احساسات و غم‌های درونی فرد است.

- تنهایی در روابط صادقانه: گاه شخص احساس می‌کند که دیگران در رفتار خود خالصانه عمل می‌کنند و اظهار دوستی و محبت آنان از روی ناچاری و به‌خاطر رفع نیازهای خود است؛ به‌طوری‌که اگر از منافع‌شان کاسته شود، گرمی روابط به سردی می‌انجامد. یکی از کارکردهای زیارت ایفای نقش شگرف در زدودن تنهایی و تقویت باور حضور خداست، که سبب درمان بیماری دردناک و جانفرسای تنهایی می‌شود. ما در اینجا راه‌کارهای زیارت در درمان واکسیناسیون انواع تنهایی را بیان می‌کنیم.

۷. تنهایی فیزیکی

همان‌طور که بیان شد، تنهایی فیزیکی غالباً مفید است و گاه دردناک می‌شود. زیارت از یک‌سو، تنهایی مفید و سودمند را تقویت می‌کند؛ بدین‌صورت که در تنهایی شخص انگیزه خودشناسی و تقویت هویت دینی را پیدا می‌کند، بدین‌بیان که هر انسانی وقتی در تنهایی خود فرو می‌رود برای رسیدن به شناخت خویشتن با دو پرسش اساسی روبه‌روست:

- یک. من کیستم؟ عبارات زیارت جامعه معارف والایی را در خود جای داده که ریشه‌های هویت دینی را تقویت می‌کنند و با جواب به انسان پرسشگر او را از سردرگمی و تحیر نجات می‌دهند، به‌گونه‌ای که در پاسخ این پرسش، ابتدا آدمی را فردی مختار و دارای اختیار مطرح می‌کند که می‌تواند با اراده خود به کمالات برسد و با به‌عصیان و سرپیچی از دین دست بزند. زیارت جامعه نشانه‌هایی برای مختار بودن انسان بیان می‌کند؛ از جمله عباراتی که در زمینه ابتلا و آزمایش انسان است: «أَبَابُ الْمُتَبَلِّیِّ بِهِ النَّاسِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۳)؛ و نیز

فرجام کسانی که در جبهه مقابل آنها قرار دارند را نابودی و هلاکت بیان می‌کند: «هَلَاکَ مَنْ عَادَاکُمْ»؛ هر که شما را دشمن دارد، هلاک است» (همان)؛ و در جایی دیگر، صراحتاً بر وجوب تبری و عمومیت آن دلالت دارد؛ به این صورت که بیزاری از رهیویان انحراف را از مصادیق تبری بیان می‌کند: «بَرِّئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجَبْتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ الشَّیْطَانِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ المَارِقِينَ مِنْ وَلَائَتِكُمْ وَ الغَاصِبِينَ لِإِرْتِکَابِکُمْ الشَّاكِنِ فِیْكُمْ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ کُلِّ وَ لِیجَةٍ دُونُکُمْ وَ کُلِّ مُطَاعٍ سِوَاکُمْ وَ مِنَ الْأَیْمَةِ الَّتِیْ یَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (همان، ص ۶۱۴).

بنابراین یکی از اسرار زیارت آن است که انسان از غیرخدا بریده، به‌سوی او و به‌سوی انسان‌های کاملی که مظهر کامل خداوند هستند، هجرت می‌کند. این امر از هنگام تهیه مقدمات آغاز می‌شود؛ بدین‌گونه کسی که جسم و روح خود را مهیا می‌کند و وصیت‌نامه‌اش را تنظیم و از بستگانش خداحافظی می‌کند، همه اینها را با عشق و محبت به اینکه به دیدار بهترین مخلوق خداوند می‌رود، انجام می‌دهد. چنانچه در زیارت جامعه می‌خوانیم: آنها برگزیدگان علم و قدرت الهی هستند که خداوند آنها را جانشین خود در زمین و ستون‌های توحید و پرچم بندگی خود قرار داده است: «صُطِّفَاکُمْ بِعِلْمِهِ... اجْتَبَاکُمْ بِقُدْرَتِهِ... وَ اتَّجَبَّکُمْ بِنُورِهِ... وَ رَضِیْتُکُمْ خُلَفَاءَ فِی أَرْضِهِ... أَرَاکَانَ لِتَوْحِیدِهِ... وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِی بِلَادِهِ» (همان، ص ۶۱۱)؛ و در ادامه با قرائت زیارت‌نامه‌ها انزجار و قطع تعلقات را به‌گونه‌ای هدفمند و مهندسی‌شده، ادامه می‌دهد. از این‌رو، رهایی از تعلقات مادی و انزجار از مظاهر دنیوی که موجب کدورت‌های اخلاقی و رفتاری، ظلم و تباهی می‌شود در پرتو این لقاء و زیارت به‌خوبی نمایان است.

۶. رها شدن از احساس تنهایی

احساس تنهایی که منجر به بیماری افسردگی می‌شود، نوعی نابهنجاری خلقی یا عاطفی است که طیف گسترده‌ای از افراد را در خود جای می‌دهد. این بیماری (افسردگی) ۳۵ تا ۴۰ درصد بیماری‌های روانی را دربر می‌گیرد، که زمینه مراجعه به پزشک را فراهم می‌آورد. عوامل متعددی مانند احساس تنهایی، ضعف و گم‌گشتگی معنوی، احساس یأس و بن‌بست، ضعف اعتماد به‌نفس، افراط و تفریط و عدم تعادل رفتاری، بسترساز این بیماری است (ساجدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). در اینجا به بررسی احساس تنهایی و

حاصل آنکه زائر از طریق انس گرفتن و قرائت زیارت‌نامه‌ها از یک‌سو، به پاسخ پرسش‌های خود می‌رسد؛ اما از سوی دیگر، زیارت، زائر را از تنهایی فیزیکی که سبب خودخوری و افسردگی شود، می‌رهاند؛ زیرا او بر این باور است که زیارت‌گاه ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} ملجأ و پناهگاه هر انسان دردمند و رنجوری است که او را به زمزم رحمت و عطوفت اهل بیت^{علیهم‌السلام} می‌رساند؛ به‌گونه‌ای که در همه حال، حاضر و در کنار اویند و با او هم‌نفس و هم‌نشین می‌شوند. مؤید آن را می‌توان در زیارت‌نامه‌ها یافت، که در تمامی آنها زائر با خطاب حاضر با اولیای الهی نجوی می‌کند. چنانچه زائر در زیارت جامعه در ۱۹۴ مورد با ضمیر حاضر (کَم) با امامش سخن می‌گوید و نجوای می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۹-۱۷۶): همچون «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوُّكُمْ» (همان، ص ۶۱۴).

۸. تنهایی ادراکی و روابط صادقانه

زائر، ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} را پناهگاه خود می‌داند که دلسوزانه و محبت‌آمیز او را پناه می‌دهند و صحبت‌ها و درد دل‌های او را می‌شنوند و تسکین می‌دهند؛ و نیز باور دارد که در این مکان مقدس، مقام و موقعیت‌هایی که سبب فاصله انسان‌ها و درک نکردن همدیگر باشد، جایی ندارد؛ زیرا نزد شخصی آمده که برتری‌های دنیوی تأثیری در ارتباط با امام ندارد؛ بلکه همه با یک زبان و در یک مکان با امام‌شان درد دل می‌کنند و صحبت‌های همه را می‌شنود و پاسخ می‌گوید. چنین زائری احساس تنهایی ادراکی نمی‌کند و از فقدان روابط صادقانه نیز رنجور نمی‌شود؛ زیرا همراهی دارد که به‌درستی او را درک می‌کند و به سعادت و خوشبختی می‌رساند؛ همان‌طور که زیارت جامعه دوستی و همراهی با آنها را مایه رستگاری بیان می‌کند: «وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَائِيَّتِكُمْ»؛ رستگاران به‌واسطه ولایت شما سعادت‌مند شدند (همان، ص ۶۱۶). زائر به‌واسطه خو گرفتن با زیارت‌نامه‌ها بارها تکرار می‌کند: «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرَعُهُ وَ مَعْدَنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ»؛ اگر خیری است شما نخستین آن هستید؛ پایه، فرع، معدن، قرارگاه و نهایت خیر شما هستید (همان).

انسانی که چنین احساس درونی درباره اولیای الهی دارد و در خلوت‌های خود با او صحبت و همنشین می‌شود و به او تقرب می‌جوید از بند تنهایی رها، و مصائب بر او آسان می‌گردد.

عباراتی که در بردارنده وعده و وعید از جانب خدا و پیامبران است: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ» (همان). همچنین عباراتی که بر عهد و میثاق دلالت دارد: «سَلِمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» (همان، ص ۶۱۴) و نیز عباراتی که بر توبه بندگان و غفران خدا دلالت دارند: «يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذَنْبًا لَأَيُّتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ» (همان، ص ۶۱۶). در گام بعدی بیان می‌کند که آدمی در ابتدای مسیر در مرتبه پایینی قرار دارد که برای رهایی از زنگار گناهان و رسیدن به کمالات باید از نفس خود شروع کند؛ چراکه نفس طریقی است که هر انسانی برای رسیدن به کمالات، باید آن را طی کند. از این رو، زیارت جامعه برای بازگشت انسان به سمت باری تعالی و رهایی از ظلمات، نفس انسان را به یادش می‌آورد که چه جرم‌ها و جنایاتی را انجام داده؛ خود به تنهایی توان رهایی از آنها را ندارد، بلکه محتاج به واسطه و توسل است. انسان با توجه به نفسش، نزد ولی خدا می‌رود و آنها را واسطه بخشش گناهان خود قرار می‌دهد: «يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذَنْبًا لَأَيُّتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ»؛ ای ولی خدا! بی‌گمان، میان من و خداوند عزوجل، گناهی است که جز رضایت شما، آنها را محو نمی‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

– دو. به کجا می‌روم؟ انسان بعد از اینکه استعداد خود را شناخت و به هویت گذشته خود توجه کرد؛ در مرحله بعد به این می‌اندیشد مقصد نهایی‌اش کجاست؟ منتهی‌الیه او چیست؟ و باید از چه میزان و معیاری عبور کند؟

زیارت جامعه کبیره بازگشت آدمی را یک‌پیز بیان می‌کند؛ خواه انسانی سعید و یا شقی باشد، یک مرجع بیشتر ندارد و آن بازگشت نزد ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و حسابرسی توسط آنها است: «وَ إِيَابَ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»؛ بازگشت خلق به‌سوی شماست و حسابشان با شماست (همان، ص ۶۱۲).

بدین ترتیب زیارت‌نامه‌ها، مخصوصاً زیارت جامعه کبیره، در تنهایی‌ها و خلوت‌های زائر به کمکش می‌آید و با بازشناسی هویت دینی، فرد را از بی‌هویتی و پوچی نجات می‌دهد. ابتدا او را فردی مختار و مستعد برای رسیدن به کمال حقیقی معرفی می‌کند؛ سپس او را در مقابل پرتگاه ضلالت و نیز جایگاه رفیع هدایت قرار می‌دهد، که برای انتخاب هریک باید مقصد، میزان و سرانجام خود را بشناسد؛ و در آخر مقصد و سرانجام آدمی را بیان می‌کند که انسان با شناخت سرانجامش و فهمیدن منزلت خود؛ به‌خوبی می‌تواند سیر سالکانه‌اش را مطابق با مقصد تنظیم کند (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۵۰-۶۲).

۹. درمان تنهایی اجتماعی

پژوهش‌های روان‌شناختی انجام‌شده درباره تنهایی در روابط اجتماعی نشان می‌دهد که از مهم‌ترین عوامل پیش‌گیری از احساس تنهایی، روابط گرم اجتماعی با دیگران و حضور در مناسک مذهبی است. از این جهت در جوامعی که پیوند اجتماعی ضعیف و کم‌رنگ است، احساس تنهایی و افسردگی شیوع بیشتری دارد و بهداشت روانی آسیب‌فزون‌تری می‌بیند؛ مردم این جوامع از کاستی روابط گرم، شاهد دردهای جانکاهی هستند (ساجدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

گزارش زیر این مطلب را تأیید می‌کند:

در اواخر دهه ۱۹۸۰ سالیانه در سوئد به‌طور متوسط حدود پنج میلیارد کرون، صرف خرید داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش می‌شد و مصرف آن در فصل زمستان به‌ویژه در حوالی تعطیلات عید سالیانه مسیحی که احتیاج به ارتباطات بیشتر احساس می‌شود، افزایش بیشتری داشت (دبیر سیاقی، ۱۳۷۵، ص ۸۳ و ۵۳).

زیارت در قالب ارزش اجتماعی، پدیده‌ای است که مورد احترام و تقدس قرار می‌گیرد، این مسئله به‌عنوان نیاز اجتماعی و روان‌شناختی در یک جامعه انسانی به‌صورت فردی و جمعی می‌تواند نقش داشته باشد. این نقش همان برقراری ارتباط میان اعضای جامعه است. از بُعد جامعه‌شناختی، «وجود ارتباط میان اعضای یک جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ چون اگر جامعه قادر به برقراری ارتباط نباشد، رفتار اجتماعی اصولاً مفهومی نخواهد داشت. به همین سبب است که هر جامعه انسانی حداقل یک زبان گفتاری که ارتباط انسان‌ها را آسان می‌سازد، داراست» (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵، ص ۶۲). زیارت که به‌عنوان یک واقعیت دینی در اندیشه‌های اسلامی باعث ارتباط میان اعضای یک جامعه شده است، منجر به برقراری ارتباط جمعی میان انسان‌ها در اماکن مقدس می‌گردد. «زیارت از طریق برقراری ارتباط به رفتار اجتماعی و دینی معنا و مفهوم می‌دهد. از طریق زیارت کردن با یک‌زبان گفتاری خاص، انسان‌ها با معبود خود و با ائمه اطهار^{علیهم السلام} ارتباط برقرار می‌کنند. این زبان، یک‌زبان احساسی و خشوع و خضوع با پروردگار است» (شریتیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۷). درواقع زیارت در این مفهوم پدیده‌ای ایدئال است که نتیجه مناسب و مطلوب و سودمند برای افراد جامعه و تقویت دین دارد. انسان‌ها با خداوند از طریق زیارت کردن و خواندن متون زیارتی در زمان و مکان خاص، رابطه معنوی

برقرار می‌کنند. این نیاز، یک نوع نیاز به عزت‌نفس و احترام است که به‌صورت معنوی در انسان همیشه وجود دارد و انسان به دنبال پرورش آن است.

زیارت در اندیشه‌های اسلامی و تشیع همراه با یک نیاز دینی است که در انسان از طریق روابط معنوی برقرار می‌شود و ملازم با آن «نقش زنده، حیات‌بخش و برجسته‌ای در حیات اجتماعی جامعه دارد» (واعظ جوادی، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

زیارت اماکن مقدس درواقع نوعی ارتباط اجتماعی یک‌سویه را به وجود می‌آورد که انسان‌ها در تمام مراحل عمر نیازمند عبادت و ستایش خداوند متعال و محبت به پیامبر و اهل‌بیتش هستند. این واقعیت اجتماعی و دینی به رفتارهای دینی و اخلاقی انسان، جهت‌گیری معنوی می‌دهد.

از بعد جامعه‌شناختی، زیارت در قالب روابط اجتماعی میان انسان‌ها و خداوند، پیامبر و ائمه اطهار^{علیهم السلام} نوعی علاقه قلبی و الفت به‌وجود می‌آورد. شیعیان در هنگام زیارت در اماکن مقدس با خواندن ادعیه و زیارت‌نامه‌ها، زیارتی بدون چشمداشت‌های مادی، با جان و دل در جهت رسیدن به سعادت‌مندی، دین خود را تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفتیم، زیارت در اسلام به‌ویژه در فرهنگ شیعی، از اهمیت بسیار والایی برخوردار است؛ اما آنچه بر اهمیت آن می‌افزاید، ابعاد تربیتی و سازندگی این عمل روحانی است. از میان آن، بعدی که الهام‌بخش جسم و روان انسان و زمینه‌ساز کنش‌ها و رفتارهای بهنجار است بعد عاطفی و انگیزشی است. زائران با احساس نزدیکی به خدا و اولیای او در مراسم زیارت و همچنین تخلیه هیجانی، به احساس آرامش درونی بیشتری دست‌یافته و اعتماد و اطمینان آنان به یاری و کمک خداوند، افزایش می‌یابد. لذا با استعانت از واسطه‌های فیض و رحمت الهی، در حل مشکلات خود، امیدوارتر می‌شوند و نگرش آنها در برخورد با استرس‌ها تغییر کرده و هنگام مراجعت، علاوه بر دستیابی به دریای بیکران رحمت و مغفرت الهی، در روح و جان آنان تحولی بزرگ پدیدار می‌شود که ارمغان آن، آرامش و امید به آینده است. اگر این حس و ارادت خود را پس از زیارت نیز داشته باشند، بی‌دریغ آرامش و امیدآوری همیشگی را در پی خواهد داشت.

زیارت با ایجاد روحیه اعتماد و الگوگیری از ائمه اطهار (ع) خلأهای روحی و روانی و حتی مادی و دنیوی را که موجب ناامیدی می‌گردد، زدوده و در نتیجه بارقه امید بر دلش نورافشانی می‌کند. بدین‌سان که از یک‌سو، خود در را وادی رحمت و مدار الطاف الهی می‌بیند که به واسطه آن گره‌ها گشوده، خطاها بخشوده و دست‌های دراز شده به سوی آنها به گرمی فشرده و به سرمنزل مقصود رسانده می‌شود؛ و از سوی دیگر، با نگرستن به سیره ائمه اطهار (ع) مشکلاتی که اضطراب‌آفرین و سم امید است، با صبوری و الگوگیری از آنها تحملش آسوده و افق دیدش گسترده‌تر و زندگی بامعناتر خواهد شد.

همچنین با حضور زائر در کنار مزور، تنهایی پایان می‌پذیرد؛ چراکه هم‌نشین و انیس خوبان شده، که بدون چشم‌داشت او را مدد می‌رسانند. علاوه بر آن، صرف حضور در مکان‌های زیارتی و خواندن زیارت‌نامه یکنواخت و زیارت کردن، سبب رهایی از تنهایی‌های اجتماعی می‌گردد.

منابع.....

ابن داود حلی، حسن بن علی، ۱۳۸۳ق، *رجال ابن داود*، تهران، دانشگاه تهران.
ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ق، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «درآمدی بر تأثیر مناسک حج بر بعد عاطفی انسان»، *معرفت*، ش ۱۴۷، ص ۵۸-۳۹.
احمدی، محمدرضا، ۱۳۹۰، *حج در آیین روان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
بهشتی، محمد، ۱۳۸۷، *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثر بخشی روان‌درمان‌گری کوتاه مدت «آموزش خود‌درمانگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنبیدی*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
جعفری، یزدان، ۱۳۹۵، *تحلیل قرآنی آموزه‌های تربیتی زیارت جامعه کبیره*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *حقی تکلیف در اسلام*، قم، اسراء.
—، ۱۳۸۹، *ادب فنای مقررین*، قم، اسراء.
حسینی، داود، ۱۳۹۶، «نقش زیارت در تربیت اجتماعی»، *فرهنگ زیارت*، ش ۱۳۱، ص ۱۳۳-۱۶۶.

حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ق، *رجال حلی*، قم، دار الذخائر.
خوئی، سیدابو القاسم، ۱۴۱۰ق، *معجم الرجال الحدیث*، قم، آثار شیعه.
دادستان، پربرخ، ۱۳۷۶، «آدلر و آدلرنگری»، *روان‌شناسی*، ش ۴، ص ۳۰۳-۳۳۹.

دبیر سیاقی، منوچهر، ۱۳۷۵، *در غرب چه می‌گذرد*، بی‌جا، بحر العلوم.
دیل، کارنگی، ۱۳۷۹، *چگونه بر نگرانی و اضطراب پیروز شدم*، ترجمه علی ضرغام، تهران، قدیانی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالشمیه.

ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۹، «اسلام و تسکین غم تنهایی و مرگ»، *قیسات*، ش ۵۶، ص ۱۴۱-۱۵۶.

سیف، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران، آگاه.
شاملو، سعید، ۱۳۷۲، *بهداشت روانی*، تهران، رشد.
شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۱، *توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

شربتیان، محمدحسن، ۱۳۸۷، «تأملی بر مبانی اجتماعی و فرهنگی زیارت»، در: *مجموعه مقالات هم‌اندیشی اسلامی*، تهران، مشعر، ج ۱، ص ۴۵۱-۴۷۷.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی.
طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

فخری، علی محمد، ۱۳۹۱، *آثار تربیتی توسل از دیدگاه قرآن و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، هجرت.
قتادان، منصور و همکاران، ۱۳۷۵، *مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی*، تهران، آوای نور.
مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲ق، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف، المرتضویه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۳۹۰، *انتصار، امام زمان (ع) آرزوی بشریت*، ترجمه انتصار شوشتری‌زاده، تهران، محبان‌الحسین.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۹، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹، *مفاتیح نوین*، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
نجاتی، محمدعثمان و عباس عرب، ۱۳۸۱، *قرآن و روان‌شناسی*، مشهد، آستان قدس رضوی.

نجاشی، محمدبن علی، ۱۴۰۷ق، *رجال النجاشی*، قم، جامعه مدرسین.
واعظ جوادی، مرتضی، ۱۳۸۵، *فلسفه زیارت و آئین آن*، قم، اسراء.
وولف، دیوید، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تحلیلی علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت

hekmatquestion@gmail.com

محمدعلی محیطی اردکان / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

sh.fayaz@chmail.ir

کسب سمانه کارگر شورکی / طلبه سطح سه اخلاق و تربیت اسلامی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا علیها السلام میبد

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

چکیده

صبر در ادبیات مقاومت جایگاه والایی دارد. معارف اسلامی نیز سرشار از دعوت به سوی اقسام صبر، از جمله صبر هنگام مصیبت است. در این مقاله به عوامل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام بر مصیبت می پردازیم؛ عواملی که بی تردید نقشه راه تقویت پایداری هنگام مصیبت را پیش روی رهروان آن حضرت ترسیم خواهد کرد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به دنبال استخراج عوامل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت و تحلیل آنهاست. بدین منظور، پس از توضیح مبادی تصویری بحث، علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت را در چهار حوزه خدانشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی بررسی می‌کنیم. یقین به خداوند متعال، درک حضور و معیت الهی، درک محبت الهی و قرب او در حوزه خدانشناسی، معرفت بالا و والای حضرت نسبت به خویش در حوزه خودشناسی، و اموری مانند شناخت طبیعت زندگی دنیا در حوزه دنیاشناسی و آگاهی نسبت به پیامدهای اخروی صبر و معادباوری در حوزه فرجام‌شناسی، از مهم‌ترین علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت است. امید آنکه بتوان با الگوگیری از این بانوی معصوم، صراط مستقیم را طی کرد و به قرب الهی رسید.

کلیدواژه‌ها: صبر بر مصیبت، حضرت زهرا علیها السلام، ساحت بینشی، خدانشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی، فرجام‌شناسی.

مقدمه

هرچند دربارهٔ صبر حضرت زهرا[ؑ] به صورت کلی کتاب‌ها و مقالاتی به رشتهٔ تحریر درآمده؛ اما براساس جست‌وجوی صورت‌پذیرفته، نوشته و مطلبی دربارهٔ علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت یافت نشد. در گام نخست، به منظور پرهیز از خطای مفهومی، منظور خود را از ساحت بینشی توضیح می‌دهیم:

۱. مفهوم ساحت بینشی

ساحت به معنای حوزه، محدوده و دامنهٔ خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های انسان در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۲۳). ساحت‌های وجودی انسان را می‌توان به‌طور کلی به سه ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری تقسیم کرد و علل صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت را با توجه به ساحت‌های سه‌گانهٔ مزبور بررسی کرد.

منظور از ساحت بینشی، حوزه و قلمرو مربوط به شناخت و آگاهی انسان است که از راه‌ها و منابع معرفتی گوناگون به صورت حضوری یا حصولی دست‌یافتنی است. بینش‌های انسان ممکن است از راه تقلید و الگوگیری صحیح شکل گرفته و یا با اجتهاد به دست آید. انسان باید بینش‌های خود را تصحیح و یا تقویت کرده و یا بر مدار اعتدال قرار دهد تا زمینهٔ لازم و کافی برای هدایت و جهت‌دهی گرایش‌ها و رفتارهای او فراهم شده، از مسیر درست به سعادت حقیقی‌اش دست یابد.

۲. طبقه‌بندی و تحلیل علل بینشی صبر حضرت

زهرا[ؑ] هنگام مصیبت

علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت را در حوزه‌های زیر می‌توان استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل کرد:

۲-۱. حوزهٔ خدانشناسی

یکی از حوزه‌های بینشی انسان خدانشناسی است. با تحلیل آثار خدانشناسی می‌توان یکی از سرچشمه‌های استقامت حضرت زهرا[ؑ] هنگام دشواری‌ها را به شرح زیر به دست آورد:

اگر دین را به ساختمانی تشبیه کنیم که بر پایهٔ خدانشناسی بنا شده است، خدانشناسی در بخش‌های مختلف دین تأثیرگذار خواهد

صبر در بینش اسلامی امری ایجابی و فعالیتی درونی است که نیاز به اراده، نیرو و مقاومت دارد و هدف آن جلب رضایت خداوند است (ر.ک: محیطی اردکان و کارگر شورکی، ۱۳۹۹). دشواری‌ها و مصیبت‌های گوناگون، لازمهٔ زندگی در دنیا است و رویارویی با عالم تراحم‌ها، استقامت و پایداری می‌طلبد. صبرورزی نه تنها آرامش خاطر دنیوی را به همراه دارد؛ بلکه براساس آموزه‌های اسلام، باعث تکامل انسان شده و یکی از عوامل دستیابی به سعادت اخروی به‌شمار می‌رود (انسان: ۸-۱۲)؛ بنابراین انسان باید هم خود استقامت ورزد «... وَ اسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ...» (شوری: ۱۵) و هم دیگران را به آن دعوت کند: «... وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (بلد: ۱۷؛ عصر: ۳).

استقامت هنگام مصیبت چندان ساده به نظر نمی‌رسد؛ از این‌رو، باید از صبرپیشگان الگو گرفت و با کشف راه‌های استقامت و عوامل تقویت روحیهٔ صبر به درجه‌ای از این فضیلت اخلاقی دست یافت. حضرت زهرا[ؑ] در زندگی کوتاه خود، با مصائب فراوان فردی، اجتماعی و سیاسی روبرو بودند. از آنجاکه ایشان از الگوهای صبر و استقامت به‌شمار می‌روند؛ در این پژوهش می‌کوشیم با روش تحلیلی به این سؤال پاسخ دهیم که ایشان چگونه توانستند در برابر این همه مصیبت استقامت ورزند؟ همچنین با توجه به تعدد عوامل پایداری هنگام مصیبت، با تفکیک ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری، این مقاله را به بررسی علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] اختصاص داده‌ایم و در پژوهش‌های دیگر، عوامل گرایشی و رفتاری را بررسی کرده‌ایم.

دستیابی به آثار فراوان دنیوی و اخروی صبر، با به‌کارگیری شیوه‌های صحیح دستیابی به مقام صبر، امکان‌پذیر است. بدین‌سان در پژوهش حاضر می‌کوشیم با توجه به برخی مبانی انسان‌شناختی نظام اخلاقی و تربیتی اسلام، از جمله توجه به ساحت بینشی وجود انسان، شیوه‌های استقامت ورزیدن و تقویت روحیهٔ صبر را طبقه‌بندی و تحلیل کنیم. در این صورت می‌توان با آموزش و تقویت علل بینشی صبر، زمینه را برای تقویت عمل به آن فراهم کرد. نتیجهٔ این فرایند تدریجی، گام نهادن در مسیر سبک زندگی اسلامی تا دستیابی به کمال نهایی است.

بررسی موضوع موردنظر از این جهت می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد که با توجه به مقام عصمت حضرت زهرا[ؑ] می‌توان شاخصه‌هایی را به دست داد که عمل براساس آنها ضامن اعتدال بینشی انسان باشد.

بود؛ خواه در بخش‌های اعتقادی و نظری باشد یا در حوزه‌های عملی مانند امور اخلاقی و سایر دستورالعمل‌های دینی (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷). براساس فرمایش امیرمؤمنان علی[ؑ] دین با خداشناسی آغاز می‌گردد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱). براین اساس می‌توان به یکی از مهم‌ترین علل شناختی صبر حضرت زهرا[ؑ] بر مصیبت دست یافت. خداشناسی باعث می‌شود انسان با انگیزه‌های برآمده از آن بتواند در موقعیت‌های ویژه، مانند مصیبت‌ها، رفتاری مناسب داشته باشد. براین اساس و با توجه به تشکیکی بودن حقیقت صبر هنگام مصیبت، می‌توان یکی از عوامل تأثیرگذار در اختلاف مراتب آن را تفاوت درجات افراد در شناخت خدا دانست. هرچه پایه شناخت خدا استوارتر باشد بر درجه صبر نیز افزوده می‌شود.

الف. یقین به خداوند

بالاترین درجه معرفت حصولی نسبت به خداوند متعال، یقین است. یقین به اعتقاد جازم مطابق با واقع، اطلاق می‌گردد (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲). در برخی روایات، اصل صبر، یقین نیکو به خداوند متعال معرفی شده است: «أصل الصبر حُسنُ اليقين بالله» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۸). براین اساس، یقین به خداوند یکی از عوامل صبر به حساب می‌آید. بالاترین مرتبه حصولی خداشناسی یقین است؛ پس صبر برآمده از آن نیز در درجات بالاتر خواهد بود. حضرت زهرا[ؑ] صبری همراه با یقین داشتند. با بهره‌گیری از استدلالی عقلی می‌توان یکی از عوامل صبر حضرت زهرا[ؑ] را یقین ایشان دانست:

الف) حضرت زهرا[ؑ] از درجه یقین بهره‌مند بود.

ب) هرکس از درجه یقین بهره‌مند باشد، در دشواری‌ها صبور است.

• حضرت زهرا[ؑ] در دشواری‌ها صبور است.

با توجه به لمی بودن برهان مزبور، حد وسط، هم واسطه در اثبات نتیجه است، هم واسطه در ثبوت؛ به این معنا که حد وسط علت ثبوت حد اکبر برای حد اصغر است. از این رو، بهره‌مندی از یقین، علت صبور بودن حضرت زهرا[ؑ] است. البته براساس کبرای استدلال، هرکس از یقین بهره‌مند باشد، در دشواری‌ها صبور است. درستی صغرای استدلال را با توجه به گواهی دیگر معصومان[ؑ] می‌توان دریافت؛ پیامبر[ؐ] دخترشان را دارای درجه بالایی از یقین می‌دانستند (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۱) و امیرمؤمنان علی[ؑ] نیز حضرت زهرا[ؑ] را

صاحب یقین می‌دانستند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۵۷؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۳). درستی کبرای استدلال را نیز با استفاده از روایات معصومان[ؑ] به شرح زیر می‌توان نشان داد:

ب. ارتباط صبر و یقین در روایات

روایات دربردارنده صبر و یقین را می‌توان به اقسام ذیل تقسیم کرد:

الف. همراهی صبر و یقین: در برخی روایات صبر و یقین با هم آمده است؛ مانند: «أطرح عنك الهموم بعزائم الصبر و حسن اليقين» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۱۳۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۷)؛ غبار اندوه را با تصمیم به صبر و یقین نیکو از خود دور کن.

از این روایت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که صبر، برآمده از یقین است و می‌توان با افزایش یقین به مراتب بالای صبر دست یافت. در روایتی از امیرمؤمنان علی[ؑ] آمده است: محرومیت و نومیدی به شما خواهد رسید؛ اما اگر صبر کنید و طلب یقین کنید، خداوند به خونخواهی‌تان برخواهد خواست و دنباله کارتان را خواهد گرفت و حقوق از دست‌رفته‌تان را باز پس خواهد گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۲۰).

ب. روایاتی که یقین را بالاتر از صبر می‌داند، روایاتی که صبر را سلاح صاحب یقین (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۸)، میوه یقین (همان، ص ۳۲)، عبادت اهل یقین (همان، ص ۴۴۶) و اولین لازمه یقین داشتن (همان، ص ۸۵) می‌داند و روایاتی که بیان می‌دارد صبر از یقین است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۸۲). در برخی روایات به این نکته اشاره شده که مؤمنان نسبت به دیگران از یقین بیشتری بهره‌مند هستند و صبورتر بودن برخی از ایشان نسبت به برخی دیگر در اموری مانند مصیبت، فقر، بیماری و ترس برخاسته از درجه یقین آنهاست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۵۷).

ج. روایاتی که صبر را بالاتر از یقین می‌داند؛ مانند: «أن اليقين فوق الإيمان بدرجة واحدة والصبر فوق اليقين» (علی بن موسی[ؑ]، ۱۴۰۶، ص ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۹۰) همانا یقین یک درجه بالاتر از ایمان و صبر بالاتر از یقین است.

در موارد ب و ج، ممکن است سؤالی را در ذهن تداعی کند که چگونه ممکن است هم صبر بالاتر از یقین باشد و هم یقین بالاتر از صبر؟ شاید منظور از برتری صبر آن است که تا یقین نسبت به چیزی وجود نداشته باشد، صبر را در پی نخواهد داشت؛ یعنی پس از تصدیق

ج. درک حضور و معیت خداوند در هنگام مصیبت
یکی از مراحل خداشناسی درک حضور و معیت خداوند در هنگام مصیبت است که انسان هنگام مصیبت با تمام وجود بگوید: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي» (شعراء: ۶۲)؛ همانا پروردگارم با من است. برخی مفسران، معیت در این آیه را به معنی یاری خداوند دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۷۷)؛ خدایی که قادر مطلق و عالم به مصلحت بندگانش است، آنها را یاری می‌کند. کسی که خود را در محضر چنین خدایی ببیند به‌طور یقین صبر می‌کند؛ زیرا خداوند یاور صابران و همراه ایشان است: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳ و ۳۴۹؛ انفال: ۴۶ و ۶۶).

هـ. درک محبت خدا

کسی که حقیقتاً خدا را دوست داشته باشد و آن را درک کرده باشد، حاضر است برای دیدار او از همه چیز بگذرد. از این رو، صبر می‌تواند برآمده از درک محبت الهی باشد. این درجه از معرفت برای افرادی ممکن است که طعم محبت خدا را چشیده و آن را درک کرده باشند و در مراتب عالی ایمانی قرار داشته باشند (mesbahyazdi.ir)؛ همان‌طور که حضرت سیدالشهدا^ع در آخرین لحظات عمر خود فرمودند: «[خدایا] همه را در راه تو رها کردم و برای اینکه به دیدنت ناقل شوم، وابستگانم یتیم شدند، اگر در راه محبت تو قطعه قطعه شوم دلم به غیر تو شوق نخواهد داشت» (طالقانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۱۴؛ قمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۰۱). در قرآن نیز آمده است: «... وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶)؛ خداوند صابران را دوست دارد. حضرت زهرا^ع در مراتب عالی ایمان قرار داشتند و محبت خدا را درک کرده بودند. از این رو، در همه مصیبت‌ها استقامت ورزیدند و هیچ دشواری نتوانست کام شیرین شده از محبت الهی او را تلخ کند. اگر انسان بتواند با تقویت بینش‌های خود، به این درک والا دست یابد، در مصیبت‌ها استقامت خواهد ورزید.

و. اعتقاد به هدف غایی بودن قرب الهی در صبر بر مصیبت

انسان‌ها برای رفتارهای اختیاری خود اهدافی در نظر می‌گیرند. اگر کسی هدف نهایی را قرب الهی بداند، همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری‌اش در راستای دستیابی به این هدف قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های قرب الهی صبر بر مصیبت است. امیرمؤمنان علی^ع

قطعی به چیزی، انسان می‌تواند براساس همت و اراده‌اش، راه صبر را در پیش گیرد یا خلاف آن عمل کند. براین اساس، صبر بالاتر از یقین ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر، یقین از مقومات صبر و براساس یک اصطلاح، از علل داخلی آن به حساب می‌آید. از این رو، صبر متوقف بر یقین است و تا یقین نباشد صبر هم نخواهد بود. همچنین چه‌بسا بتوان با در نظر گرفتن تشکیکی بودن حقیقت یقین و صبر هم به سؤال مزبور پاسخ داد و مراتبی از یقین را بالاتر از برخی مراتب صبر دانست و بالعکس. در هر حال، یقین اگر علت تامه صبر نباشد از علل ناقصه آن به‌شمار می‌رود و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل صبر معرفی شود.

د. روایات بیان‌کننده صبر بدون یقین: روایاتی که دلالت بر صبر به همراه یقین دارد، ولی بیان می‌کند که اگر چنین صبری برای افرادی امکان ندارد حداقل بدون یقین نیز صبر کنند. برای نمونه می‌توان به این حدیث نبوی اشاره کرد که اگر می‌توانی به همراه یقین صبر کنی، این کار را بکن و اگر نمی‌توانی، صبر کن که در صبر بر سختی‌ها، خیر بسیار وجود دارد و بدان که صبر به همراه پیروزی، گشایش به همراه سختی و به دنبال هر سختی آسانی است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۳؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۰). یقین دارای مراتب است و حضرت توصیه می‌کنند که اگر نمی‌توانی یقین داشته باشی، بدون یقین هم صبر کن. صبر کردن بدون یقین، لازمه‌اش یقین داشتن به درستی این توصیه است؛ یعنی پشتوانه چنین صبری، یقین است؛ هرچند یقین مراتب دارد و ممکن است پشتوانه صبر، یقین در مراتب بالا نباشد.

تا آنجا که به مدعای اصلی پژوهش حاضر مربوط است، از روایات یادشده می‌توان نتیجه گرفت که صبر و یقین با یکدیگر رابطه دوسویه دارند. تقویت هر کدام از صبر و یقین می‌تواند باعث افزایش درجه دیگری شود. یقین می‌تواند یکی از دلایل صبر باشد و علت تامه نیست؛ اما صبر با یقین در درجه بالاتری نسبت به صبر بدون یقین قرار دارد. با توجه به آیه قرآن «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقِنُونَ» (سجده: ۲۴)؛ کسانی که به امر خداوند، دیگران را هدایت می‌کنند دارای صبر و یقین هستند؛ می‌توان نتیجه گرفت که حضرت زهرا^ع که براساس مستندات تاریخی و روایی مانند حدیث متواتر ثقلین، مسلمانان را به هدایت دعوت می‌کردند، از صبری همراه با یقین بهره‌مند بودند.

می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى اللَّهِ وَصَلَّ إِلَيْهِ» (قطب راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۲)؛ هرکس برای خدا صبر کند به او خواهد رسید. در روایتی دیگر از ایشان آمده است: تو به آنچه دوست داری از پروردگارت دریافت کنی، نمی‌رسی مگر با صبر و خویشنداری در مقابل آنچه نفس از تو می‌خواهد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۶). بی‌تردید حضرت زهرا[ؑ] نیز که در زمره معصومان قرار دارد، چنین هدف والایی را در نظر داشته و اعتقاد مزبور نقشی مهم در استقامت‌ورزی ایشان ایفا کرده است.

حَلْمِكَ وَ عِلْمِكَ لِجَهْلِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۳۳۹)؛ خداوندا! برای ناتوانی خودمان از قوت تو، برای فقرمان از بی‌نیازی تو و برای جهل و نادانی خویش از علم و حلم تو خواستارم. نیاز انسان به خداوند متعال و امکان فقری او در قرآن کریم نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). برای اینکه فردی خود را به صفت اخلاقی صبر بر مصیبت مزین کند، باید مختار و متصل به ذات احدیت باشد.

۲-۲. حوزه خودشناسی

حوزه‌های دیگر از ساحت بینش، خودشناسی یا معرفت نسبت به خود است. حضرت زهرا[ؑ] از وضع موجود زمان خویش ناراضی بودند و آرزوی وضع مطلوب داشتند. اما صرف ناراضی‌مطلوب نیست؛ زیرا برای استکبارستیزی افزون بر ناراضی‌مطلوب از وضع موجود، تقویت روحیه ایستادگی و مقاومت در برابر آن نیز لازم است. بنابراین انسان با خودشناسی و اعتماد به نفس باید ایستادگی کند. حضرت زهرا[ؑ] اوضاع زمانه خود را شناخته بودند و با شناخت توانایی‌های خود، توانستند در مقابل ظلم مقاومت کنند.

ب. دوبعدی بودن انسان و نقش آن در صبر بر

مصیبت

انسان علاوه بر جسم، دارای روح نیز می‌باشد و روح همان عنصر اصلی است که هویت انسانی را می‌سازد. همان‌گونه که جسم او نیازمند خواب، خوراک و... است، روح او نیز نیاز به ارتباط با منبع لایزال الهی دارد و باید به نیازهای روحی خود نیز توجه داشته باشد و آنها را برآورده سازد. روح مجرد، از مجردات عالم نیز تأثیر می‌پذیرد. روح مانند جسم فانی نیست و بقای آن دلیل اعتقاد به معاد است. انسان نمی‌تواند روح را در آزمایشگاه خود مورد آزمایش قرار دهد، یا اینکه به‌مثابه جسم، آن را کالبدشکافی کند. این امتیازات روح باعث شده که برخی آن را انکار کنند.

از منظر شهید مطهری از دست دادن روحیه و اعتماد به نفس، نوعی خودباختگی است، که نقطه مقابل آن، ایمان و اعتماد به خود پیدا کردن است (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴). او بزرگ‌ترین هدیه یک رهبر به ملتش را مؤمن ساختن آنها به خودشان می‌داند (همان، ص ۲۱۷). حضرت زهرا[ؑ] با درس خودشناسی، اعتماد به نفس را به تمام عالمیان هدیه دادند.

حضرت زهرا[ؑ] به بعد روحی خود نیز معتقد بودند و خود را تنها جسم نمی‌دیدند تا آنجایی که از شدت علاقه به امیرمؤمنان علی[ؑ] می‌فرمودند: «رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوِقَاءُ» (دشتی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). ایشان با عالم مجردات در ارتباط بودند و به همین دلیل او را محدثه می‌خواندند (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۹۴؛ سلیم‌پن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۲۴). این بانوی بزرگوار برای تعالی روح خود، فرمان خداوند مبنی بر صبر در مصیبت‌ها را اطاعت می‌کردند.

الف. خودشناسی و فضیلت اخلاقی صبر بر مصیبت

انسان خود را فردی مختار و دارای آزادی مقید می‌یابد. منظور این است که نه مجبور است و نه تفویض کامل را دارد؛ یعنی نه مانند یک ابزار است که از خود هیچ اختیاری ندارد، و نه مانند ملانکه که اختیار به معنای تصمیم‌گیری ندارند. انسان اختیار دارد و در عین اختیار، خود را مستقل و بی‌نیاز از خدا نمی‌داند و او همیشه باید به یک منبع لایزال متصل باشد. اخلاق افعال اختیاری انسان را دربر می‌گیرد؛ در نتیجه برای اینکه کسی فعل اخلاقی را انجام دهد، باید دارای اختیار باشد.

ج. رابطه عصمت و صبر بر مصیبت

خداوند براساس حکمت خود به افرادی از جمله انبیاء و ائمه مقام عصمت را عطا فرموده است. در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ اهل بیت را از هرگونه گناه پاک و ایشان را پاکیزه قرار داده‌ایم. امام محمدباقر[ؑ] از قول پدرشان فرمودند: پیامبر خدا^ﷺ به درب خانه فاطمه[ؑ] می‌آمدند، سپس می‌فرمودند: سلام، رحمت و

حضرت زهرا[ؑ] نیز خود را فردی فقیر نسبت به خدا می‌دانستند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا وَ مِنْ غِنَاكَ لِفَقْرِنَا وَ فَأَقْتِنَا وَ مِنْ

۲-۳. حوزه دنیاشناسی

سومین حوزه بینش، دایره دنیاشناسی و نوع نگاه به دنیاست. انسان می‌تواند با شناخت جهان مادی و آگاهی از ماهیت دنیا، خود را به صبر وادارد. اینکه دنیا گذراست، روزی به پایان خواهد رسید و آخرت جایگاه باقی و ابدی است. حضرت زهرا[ؑ] در آخرین لحظات عمر پیامبر[ؐ] ناراحت بودند؛ اما پیامبر[ؐ] به ایشان چیزی گفتند که ایشان را شادمان کرد: ای فرزندانم! تو اولین نفر از اهل بیت هستی که به زودی به من خواهی پیوست (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۸). حضرت زهرا[ؑ] از اینکه دنیای گذرای او به زودی به پایان خواهد رسید و به پدر گرامی‌شان ملحق می‌شوند، خوشحال شدند. دنیا به خودی خود دارای ارزش نیست و به جهت اینکه در مقابل آخرت قرار دارد و پلی برای رسیدن به آن است، ارزشمند تلقی می‌شود. با شناخت دقیق دنیا می‌توان در ناگواری‌ها استقامت ورزید. یکی از مهم‌ترین متعلقات این چنین شناختی عبارت است از:

الف. شناخت طبیعت زندگی دنیا

انسان با شناخت طبیعت و ماهیت دنیا می‌تواند حب دنیا را از دلش ریشه کن کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد: ۴)؛ همانا ما انسان را در سختی آفریدیم. بنابراین دنیا جای آسایش و آسودگی نیست. در روایت نیز آمده است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۰)؛ دنیا زندان مؤمن است. پس زندگی در دنیا سخت و طاقت‌فرساست و اگر انسان در سختی‌ها به جای صبر، جزع و فرع کند، نه تنها از دشواری پیشامدهای ناگوار کاسته نمی‌شود؛ بلکه رنج آن دوچندان می‌شود. در روایاتی دیگر از دنیا به عنوان قرض یاد شده است. همان گونه که می‌دانیم تنها بی‌نیاز حقیقی خداست و همه ما محتاج و وابسته به او هستیم. پس تمام چیزهایی که در دنیا به ما داده شده است، قرض است. هر کس به خدا (در راه خدا) قرض را ادا کند، ده تا هفتصد برابر پاداش داده می‌شود و کسی که ندهد و خدا از او بگیرد در مقابل، درود، رحمت و هدایت به او داده می‌شود (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۴۷-۴۸). بنابراین، کسی که اهل دین باشد، صبر و بصیرت دارد و افرادی هم که اهل دنیا باشند، اهل بی‌صبری هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۲۷۷). از این دسته از روایات، به روشنی می‌توان برداشت کرد که یکی از عوامل صبر، بینش صحیح درباره ماهیت دنیاست.

برکات خدا بر شما اهل بیت باد (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۶-۳۱۷). بر طبق این آیه و حدیث، حضرت زهرا[ؑ] که از اهل بیت پیامبر[ؐ] بودند، دارای مقام عصمت هستند و به این واسطه می‌توانند صبر کنند. عصمت در بیان علامه طباطبائی به معنای نیرویی در برخی انسان‌هاست که آنها را از ارتکاب خطا و گناه نگه می‌دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۳۴). اینکه خداوند متعال سببی در معصوم پدید می‌آورد که به خاطر آن تمامی افعال اختیاری آن انسان به صورت اطاعت و صواب صادر می‌شود؛ و آن سبب، علم راسخ در نفس، یعنی ملکه نفسانی است (همان، ص ۱۳۹) ایشان عصمت را نوعی علم و ملکه‌ای نفسانی می‌داند.

براین اساس می‌توان در بحث خودشناسی به وجود نیرو و ملکه‌ای در خود معتقد بود که به سبب آن انسان می‌تواند صبر کند. همان گونه که در روایت آمده است: چگونه کسی که عصمت و نگهداری الهی او را یاری نکرده باشد، می‌تواند صبر کند؟ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۷؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۸۴). پس بدون عصمت نمی‌توان صبر کرد.

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که اگر عصمت یکی از علل صبر بر مصیبت باشد، تنها معصومان[ؑ] می‌توانند در برابر مصیبت صبر کنند؛ افزون بر این، دیگر حضرت زهرا[ؑ] نمی‌توانند الگوی جهانیان در صبر بر مصیبت باشند؛ زیرا انسان‌های معمولی معصوم نیستند و نمی‌توانند هنگام مصیبت به سبب عصمت‌شان صبر کنند!

با توجه به تشکیکی بودن عصمت و صبر، می‌توان به این سؤال پاسخ داد: زیرا بیشترین علم و ایمان، مقتضی بالاترین مراتب عصمت و کمترین علم و ایمان، مقتضی پایین‌ترین مرتبه عصمت است. به عبارت دیگر، عصمت هر فرد به اندازه مرتبه بینش اوست. کسی که بداند اینجا آتش است، خود را در آن نمی‌اندازد؛ یعنی او عصمت از این آتش را دارد. عصمت، نهایت درجه ایمان است و کسی که دائم‌الحضور باشد و خدا همیشه در نظرش باشد، گناه نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۵۲۰). براین اساس، عصمت بالاتر که برآمده از علم و ایمان برتر است، صبری جمیل در پی دارد و عصمت در مراتب پایین‌تر، صبری در مراتب پایین‌تر به دنبال خواهد داشت. در روایت نیز آمده است: شیعیان امیرمؤمنان علی[ؑ] نیز دارای درجاتی از مقام عصمت می‌باشند (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۹۴). بنابراین هر قدر انسان در مراتب عصمت بالاتر رود، صبری شایسته‌تر خواهد داشت.

حضرت زهرا[ؑ] این گونه بینشی را داشتند که توانستند در مقابل مصائب صبر کنند. در بینش ایشان وابستگی شدید به دنیا مطرح نبود، به گونه‌ای که جنین خود را هم برای نجات جان ولی خدا فدا کردند (خصیعی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۹؛ سلیم‌پن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۸۸). شاید بتوان گفت برای یک مادر باردار هیچ چیز باارزش‌تر و عزیزتر از فرزندش که با خود دارد، نیست؛ اما ایشان برای دفاع از جان ولی خدا حاضر شدند آن امانت را به صاحبش برگردانند. از طرفی ایشان رهبانیت در دین را هم نپذیرفته بودند؛ در میان مردم زندگی می‌کردند، ازدواج کردند و...

۲-۴. حورۀ فرجام‌شناسی

در حوزه فرجام‌شناسی می‌توان فلسفه آفرینش انسان را از منظر آیات و روایات بررسی کرد. قرآن فرموده است که: خداوند، عالم را آفرید تا عبادت او را انجام دهند. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). در روایات نیز فلسفه آفرینش از منظر حضرت زهرا[ؑ] اینچنین آمده است: خداوند به آفرینش عالم نیازمند نبود، اما آفرید تا حکمتش را تثبیت کند، مردم متوجه اطاعت خدا شوند؛ قدرتش را ظاهر کند، ربوبیت خود را به بندگان نشان دهد، بندگی‌اش را عزت دهد که اگر بندگی کنید، ثواب اخروی دارید و اگر نافرمانی کنید، عقاب می‌شوید. برای جلوگیری از مبتلا شدن بندگان به نعمت‌ها و حرکت دادن آنها به سوی بهشت، ثواب و عقاب را قرار داد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۸).

انسان برای دستیابی به کمال آفریده شده و همه ابزارهای لازم برای رسیدن او به هدف نهایی در اختیارش قرار داده شده است. حضرت زهرا[ؑ] برای اینکه اطاعت خدا را انجام دهند و به کمال نهایی خود برسند، در برابر مصیبت‌ها صبر را پیشه کردند؛ بنابراین آگاهی از فرجام نیز یکی از علل صبر است، که می‌تواند ما را در برابر سختی‌ها مقاوم کند.

الف. آگاهی نسبت به پیامدهای اخروی صبر

مصیبت دارای پیامدهای مثبت و منفی است: الف) پیامد مثبت: صبر و به دست آوردن پاداش الهی؛ ب) پیامد منفی: جزع و فزع و محروم شدن از پاداش الهی. در تأیید این مطلب می‌توان به تقل قولی تاریخی استناد کرد. بی‌میسره می‌گوید: خدمت حضرت صادق[ؑ] بودم؛ مردی آمد و از مصیبتی به حضرت شکایت کرد. حضرت فرمود: توجه داری اگر صبر کنی، خدا به تو اجر می‌دهد و اگر صبر

دو فرد را تصور کنیم؛ فردی که همه چیز را دنیا می‌پندارد و فردی که دنیا را مقدمه می‌داند. کسی که دنیا را اصل بداند، طبعاً برای به دست آوردن آن از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد و فردی که دنیا را مقدمه بداند، ناگزیر به همان اندازه مقدمه، به آن بسنده می‌کند و تمام سعی خود را به کار می‌گیرد که به نحو احسن و آن گونه که خداوند متعال از او خواسته، از مقدمه استفاده کند. حضرت زهرا[ؑ] در دنیا به دنبال آسودگی نبودند و می‌فرمودند: از دنیای شما بسیار بیزارم (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۴) و پیامبر[ؐ] بعد از آنکه حضرت زهرا[ؑ] زیورآلات خود را به ایشان دادند که در راه خدا مصرف کنند، سه مرتبه فرمودند: پدرش به فدایش باد. دنیا در نزد محمد و آل محمد ارزشی ندارد؛ چراکه اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا (خداوند) ذره‌ای از آن را نصیب کافر نمی‌کرد (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۳۴). این بینش، به ایشان توانایی داد تا در مقابل سختی‌های شعب ایطالب، از دست دادن عزیزانش، آزار و اذیت شدن پدرشان به دست کفار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴۰؛ ج ۸، ص ۳۳۸) و... صبر کنند.

ب. ادراک معتدل نسبت به دنیا زمینه‌ساز صبر بر مصیبت

اگر بینش انسان به گونه‌ای شود که دنیا و آنچه در آن است را بخواهد و دل‌بستگی و وابستگی شدید به آن داشته باشد، به‌طورطبیعی از دست دادن آنها هم برایش بسیار سخت خواهد بود. امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالْدُنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَىٰ وَ أَمَلٍ لَا يُذْرَكُ وَ رَجَاءٍ لَا يُنَالُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۰)؛ کسی که دل به دنیا بسته باشد، دلش به سه چیز وابسته است: اندوهی که زوده نمی‌شود، آرزویی که برآورده نمی‌شود و امیدی که به دست نمی‌آید. از طرفی دیگر، اگر انسان رهبانیت در دین را برگزیند و بینش او آن گونه باشد که نباید از دنیا و هرآنچه در آن است، استفاده کند و هیچ علاقه‌ای به آن نداشته باشد، دیگر از دست دادن جان، مال و... را نیز مصیبتی نمی‌داند که بخواهد بر آن صبر کند. بنابراین انسان باید درکی اعتدال‌گونه نسبت به دنیا باشد؛ از نعمت‌های دنیا به اندازه ضرورت استفاده کرده و همه آمال و آرزوهای خودش را هم در دنیا نبیند؛ بداند که دنیا تنها به اندازه ظرفیت خود گنجایش دارد.

نتیجه‌گیری

شناسایی علل صبر یکی از مهم‌ترین مراحل تحصیل فضیلت اخلاقی صبر و تقویت آن به حساب می‌آید. با توجه به الگو بودن زندگی حضرت زهرا[ؑ] می‌توان به عوامل صبر ایشان هنگام مصیبت‌ها دست یافت و با تقویت آن عوامل، تا حد امکان به درجات بالایی از این فضیلت اخلاقی دست یافت. در میان عوامل متعدد صبر در زندگی آن حضرت، بر عوامل بینشی صبر متمرکز شده، آنها را در چهار حوزه^۱ خداشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی بررسی کردیم و به صورت خلاصه به نتایج زیر دست یافتیم:

الف. با توجه به تشکیکی بودن حقیقت صبر بر مصیبت می‌توان یکی از مهم‌ترین علل آن را خداشناسی دانست که با توجه به مراتب مختلف شناخت و یقین افراد نسبت به خدا، میزان صبر افراد نیز متفاوت خواهد بود. افرادی مانند حضرت زهرا[ؑ] که دائم خود را در محضر خدا می‌بینند، محبت خدا را بیشتر درک می‌کنند و او را یاور و همراه همیشگی خود می‌دانند؛ در مسائل فردی، اجتماعی و سیاسی جهت جلب رضای الهی صبر را پیشه خود می‌سازند.

ب. در حوزه^۲ خودشناسی، حضرت زهرا[ؑ] با توجه به مقام عصمت‌شان، بینش دویعدی بودن انسان، با روحیه^۳ ایستادگی و مقاومت و اعتماد به نفس، بر مصائب صبر کردند.

ج. در حوزه^۴ دنیاشناسی، معرفت به اینکه دنیا گذراست، دارای ارزش ذاتی نیست و مقدمه‌ای برای آخرت است و با درک معتدل نسبت به دنیا، حضرت زهرا[ؑ] در مصائب مقاوم و استوار شدند.

د. در حوزه^۵ فرجام‌شناسی، بینش حضرت زهرا[ؑ] اینچنین بود که بندگی خدا سبب عزت و کسب ثواب اخروی است و انسان برای رسیدن به کمال آفریده شده است. تلخی کوتاه‌مدت دنیا، شیرینی پایدار اخروی را به همراه دارد و اینکه معاد حق است. تقویت این بینش‌ها باعث تقویت صبر انسان شده، به تدریج او را در مسیر سبک زندگی اسلامی قرار خواهد داد.

نکنی همان مصیبت بر تو روی می‌آورد، درحالی که تو مذموم و بدون اجر و پاداش هستی (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۵۲).

نفس انسان لذت‌طلب است و به لذت‌های زودگذر نیز تمایل دارد. یکی از راه‌های کنترل نفس، تقویت بینش در حوزه^۶ فرجام‌شناسی است. آگاهی از عواقب ناگوار لذتی زودگذر، انسان را از آن دور کرده و آگاهی از پیامدهای مثبت تحمل رنجی زودگذر، او را مقاوم می‌کند. پیامبر[ؐ] به حضرت زهرا[ؑ] فرمودند: ای دخترم! تلخی دنیا را مقدمه برای شیرینی آخرت قرار بده (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶۵). به راستی، آگاهی از پیامدها و عواقب امور می‌تواند باعث ایجاد بینشی در انسان گردد که او را در سختی‌ها مقاوم کند.

ب. معادباوری در صبر بر مصیبت

شاخه^۷ دیگر فرجام‌شناسی، معادباوری است. انسان اگر اعتقاد به معاد داشته باشد و پاداش و عقاب را حق بداند، زندگی او رنگ‌وبوی دیگری خواهد گرفت و توانایی رویارویی با مصیبت‌ها را خواهد یافت. حضرت زهرا[ؑ] با اعتقاد به معاد و گاه، شاهد آوردن آن، توانستند صبر جمیل خود را به جهانیان نشان دهند. استقامت ایشان در دفاع از ولایت با معادباوری‌شان گره خورده است؛ بنابراین دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند: «أَنَّى اشْهَدُ اللَّهُ وَ مَلَائِكَةُ أَنْكَمَا اسْخَطَانِي وَ مَا أَرْضِيْتَمَانِي لَنْ لَقِيْت النَّبِيَّ لِأَشْكُونِكَمَا» (جرعاملی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۵۷)؛ خدا و ملائکه را شاهد و گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا به غضب آوردید و رضایت مرا فراهم نکردید؛ اگر پیغمبر را ملاقات کنم از شما شکایت خواهم کرد. در احتجاج با ابوبکر نیز آیه^۸ «وَ اتَّظَرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ» (هود: ۱۲۲) را تلاوت کردند که معنایش این است: شما انتظار بکشید، ما هم منتظر می‌مانیم. استقامت فعال - و نه منفعل - ایشان، برآمده از اعتقاد راسخ به معاد است. تعمیم دلیل می‌تواند رهاوردی مانند استقامت هنگام مصیبت را به ارمغان آورد.

خلاصه آنکه انسان با افزایش بینش خود در چهار حوزه^۹ خداشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی می‌تواند به مراتبی از صبر دست پیدا کند.

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، چ پنجم، تهران، فیض الاسلام.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کنف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق سیدهاشم رسول محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
- استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، تحقیق حسین استادولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، *عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال* (مستدرک سیده النساء فاطمة الزهراء[ؑ] إلى الإمام محمد بن علی الجواد[ؑ])، تحقیق محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الإمام المهدی[ؑ].
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، تحقیق سیدمهدی رجائی، چ دوم، قم، دار کتاب الاسلامی.
- حراعلی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، *الهدایة الكبرى*، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- دشتی، محمد، ۱۳۹۱، *فرهنگ سخنان حضرت فاطمه[ؑ]*، چ بیستم، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف الرضی.
- سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، تصحیح محمد انصاری زنجانی، قم، الهادی.
- شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ق، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن کثیر.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۷۶، *أمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.
- طالقانی، نظر علی، ۱۳۷۳، *کاشف الاسرار*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، المرتضی.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل الله یزدی طباطبائی، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافه.
- علی بن موسی[ؑ] (امام هشتم)، ۱۴۰۶ق، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا[ؑ]*

- تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۷ق، *الدعوات (لراوندی) / سلوة الحزین*، قم، مدرسه الإمام المهدی[ؑ].
- _____، ۱۴۰۹ق، *الخرائج و الجرائح*، تصحیح مؤسسه الإمام المهدی، قم، مؤسسه الإمام المهدی.
- قمی، عباس، ۱۳۷۹، *منتهی الأمال فی تواریخ النبی و الال (صلوات الله و سلامه علیهم)*، قم، دلیل ما.
- کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمت، قم، دار الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی مصباح، چ دوم، تهران، مدرسه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تحقیق جمعی از محققان، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محیطی اردکان، محمدعلی و سمانه کارگر شورکی، ۱۳۹۹، «تحلیل فضیلت اخلاقی صبر بر مصیبت در سیره حضرت زهرا[ؑ]»، *معرفت*، ش ۲۷۴، ص ۵۳-۶۲.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، چ هشتم، تهران، صدرا، ج ۲۳.
- _____، ۱۳۸۴، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۹۰، *حکمتها و اندرزها*، چ سی و دوم، تهران، صدرا.
- مکی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، بی تا، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد*، قم، بصیرتی.
- نراقی، ملامهدی، بی تا، *جامع السعادات*، تصحیح محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.